

به نام خدا

مدیریت مالی

نام درس

قسمت دوم

جلیل بیطاری

مدرس

نسبت های حسابداری

1. نسبت های فعالیت

2. نسبت های نقدینگی

3. نسبت های سرمایه گذاری یا اهرمی

4. نسبت های سودآوری

5. نسبت های ارزشیابی

1- نسبت های فعالیت

هرگونه کسری که در صورت آن مبلغ فروش واحد تجاری و در مخرج آن یکی از اقلام ترازنامه آمده باشد نسبت فعالیت نامیده می

شود. تنها در مورد موجودی جنسی بهتر است به جای رقم فروش، بهای تمام شده کالای فروش رفته به کار رود. نسبت های فعالیت،

کارایی مدیران را در کاربرد دارایی ها (منابع مالی در اختیار مدیران) نشان می دهند.

مهمترین نسبت های فعالیت عبارتند از دوره وصول مطالبات، نسبت گردش کالا، نسبت کالا به سرمایه در گردش و نسبت گردش

سرمایه جاری.

ردیف	انواع نسبت های فعالیت
۱	$\text{فروش} = \frac{\text{دفعات گردش سرمایه جاری}}{\text{متوسط سرمایه در گردش}}$
۲	$\text{فروش} = \frac{\text{دفعات گردش سرمایه ثابت}}{\text{متوسط دارایی های ثابت}}$
۳	$\text{فروش} = \frac{\text{دفعات گردش دارایی}}{\text{متوسط جمع دارایی}}$
۴	$\text{فروش سال قبل - فروش سال مورد رسیدگی} = \frac{\text{درصد تغییر فروش}}{\text{فروش سال قبل}}$

۱-۱- گردش سرمایه جاری

این نسبت حاکی از آن است که سرمایه در گردش تا چه اندازه در فروش، موثر بوده است. افزایش نسبت دلیل بر کمبود سرمایه در گردش تلقی می شود؛ مگر قرائن دیگری مثل افزایش فروش، آن را نفی کند.

$$\text{گردش سرمایه جاری} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{سرمایه در گردش}}$$

$$\text{دفعات گردش سرمایه جاری} = \frac{\text{فروش}}{\text{متوسط سرمایه در گردش}}$$

$$\text{دفعات گردش سرمایه ثابت} = \frac{\text{فروش}}{\text{متوسط دارایی های ثابت}}$$

2- نسبت های نقدینگی

نسبت نقدینگی به نسبتی اطلاق می شود که توانایی واحد تجاری را در واریز بدهی های کوتاه مدت نشان می دهد.

اهم این نسبت ها عبارتند از نسبت جاری و نسبت آنی.

نسبت های نقدینگی از مقایسه دارایی جاری یا اقلام تشکیل دهنده آن با بدهی جاری به دست می آید و بیشتر این نسبت ها به

صورت عدد و یا درصد نشان داده می شود. اهم نسبت های نقدینگی عبارتند از نسبت جاری و نسبت آنی.

ردیف	انواع نسبت های نقدینگی
۱	نسبت جاری = $\frac{\text{دارایی جاری}}{\text{بدهی جاری}}$
۲	نسبت دارایی جاری = $\frac{\text{دارایی جاری}}{\text{جمع دارایی}}$
۳	نسبت سریع (آنی) = $\frac{\text{نقد + اوراق بهادار + مطالبات}}{\text{بدهی جاری}}$
۴	نسبت گردش نقدی = $\frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{بدهی جاری}}$
۵	فرجه تدافعی = $\frac{\text{نقد + اوراق بهادار + مطالبات}}{\text{تخمین مخارج روزانه}}$
۶	نسبت نقدینگی = $\frac{\text{نقد + اوراق بهادار}}{\text{بدهی جاری}}$
۷	نسبت کفایت نقد = $\frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{سود نقدی + خرید دارایی + بازپرداخت بدهی بلندمدت}}$

۱-۲- نسبت جاری

هرگاه جمع دارایی جاری را بر جمع بدهی جاری تقسیم کنیم نسبتی را که به دست می آید نسبت جاری می گوئیم.

بنابراین در صورتی که جمع دارایی جاری شرکتی ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال و بدهی جاری آن ۵٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال باشد نسبت جاری می

شود:

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارایی جاری}}{\text{بدهی جاری}} = \frac{۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰}{۵٫۰۰۰٫۰۰۰} = 2$$

۲-۲- نسبت دارایی جاری

این نسبت نشان می دهد که دارایی جاری چه قسمت از کل دارایی را تشکیل می دهد.

$$\text{نسبت دارایی جاری} = \frac{\text{دارایی جاری}}{\text{جمع دارایی}}$$

۳-۲- نسبت آنی

نسبت جاری نقضی بزرگ دارد و آن این که همه اقلام دارایی جاری از لحاظ نقدینگی یکسان و مشابه در نظر گرفته می شوند در صورتی که از این لحاظ اقلام دارایی جاری را باید به دو طبقه تقسیم کرد:

آنچه نقد است یا در حکم نقد و یا بدون کوششی در راه فروش، نقداً وصول خواهد شد. این تعریف موجودی های نقدی اعم از صندوق و بانک و همچنین حساب ها و اسناد دریافتنی را در بر می گیرد. به جمع این ارقام، دارایی های سیال یا دارایی های آنی اطلاق می شود.

اقلامی از دارایی جاری که می باید از طریق فروش به پول نقد یا مطالبات تبدیل شود. کلیه انواع موجودی های جنسی اعم از مواد و کالا در این طبقه قرار می گیرند.

از لحاظ کوتاه مدت به آسانی می توان دریافت که دارایی آنی (در مقام مقایسه با موجودی جنسی) بیشتر می تواند در تامین طلب بستانکاران محور اتکا قرار گیرد زیرا کالا مستلزم فروش است تا مبنای نقدی پیدا کند و فروش امری است که زمان و مبلغ آن در آینده تحقق می یابد. از نظر دیگر، ارزیابی و قیمت گذاری موجودی جنسی هر چند (با وجود دشواری ها) با دقت انجام گیرد باز جنبه قطعی ندارد و چه بسا در عمل و یا به هنگام فروش نقصان و کاهش قیمت پیدا کند.

برای تعیین این که دارایی آنی تا چه اندازه بدهی جاری را فرا می گیرد، از نسبت آنی استفاده می شود. به طوری که گفتیم دارایی های آنی عبارتند از همه اقلام دارایی جاری منهای موجودی مواد و کالا و پیش پرداخت ها. نسبت آنی به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{دارایی آنی}}{\text{بدهی جاری}}$$

3- نسبت های سرمایه گذاری یا اهرمی

نسبت های سرمایه گذاری بر دو نوع هستند. یکی نسبتی که به وسیله آن میزان سرمایه گذاری در دارایی ثابت سنجیده می شود و دیگری نسبت هایی که رابطه مالی مورد استفاده واحد تجاری را از لحاظ بدهی های جاری و بلندمدت با ارزش ویژه تعیین و ارزیابی می کند و در واقع نحوه ترکیب آنها را بررسی می نماید. نسبت های نوع دوم را نسبت های اهرمی هم نامیده اند و وجه تسمیه آن ناشی از تشابهی است که بین سود حاصل از کاربرد مکانیکی اهرم و سود به دست آمده از کاربرد وجوه حاصل از بدهی بلندمدت به نفع صاحبان سهام وجود دارد.

نسبت هایی که نشان دهند هرگاه عملیات واحد تجاری زیان به بار آورد و کار به تصفیه بکشد، تا چه اندازه طلبکاران و وام دهندگان به آن واحد تجاری به مطالبات خود می رسند، نسبت های سرمایه گذاری می نامند. در ضمن نسبت های سرمایه گذاری طرز ترکیب سرمایه شرکت را به معنی اعم آن که کلیه منابع مالی را در بر می گیرد نشان می دهد. به عبارت دیگر نسبت های سرمایه گذاری آنچه را به صاحبان سهام (سرمایه) تعلق دارد با سرمایه گذاری های دیگران در واحد تجاری می سنجد.

نسبت های مذکور معمولاً از تقسیم بدهی جاری، بدهی بلندمدت و یا کل بدهی به ارزش ویژه به دست می آید بعضی ترجیح می دهند که معکوس این نسبت را به کار برند یعنی ارزش ویژه را در صورت کسر و بدهی ها را در مخرج قرار دهند. این نسبت ها در پیدایش تئوری مدیریت مالی نقش اساسی داشته اند.

مهمترین نسبت های سرمایه گذاری عبارتند از:

* نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه

* نسبت کل بدهی

* نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه

* نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه

نسبت اول از چهار نسبت فوق از نوع اول و سه نسبت دیگر از نوع نسبت های اهرمی هستند.

ردیف	انواع نسبت های سرمایه گذاری یا اهرمی
۱	$\frac{\text{دارایی ثابت}}{\text{نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه}} = \text{حقوق صاحبان سرمایه یا ارزش ویژه}$
۲	$\frac{\text{جمع بدهی ها (جاری + بلندمدت)}}{\text{نسبت کل بدهی}} = \text{حقوق صاحبان سرمایه یا ارزش ویژه}$
۳	$\frac{\text{حقوق صاحبان سرمایه یا ارزش ویژه}}{\text{نسبت مالکانه}} = \text{جمع دارایی ها}$
۴	$\frac{\text{دارایی ثابت}}{\text{نسبت پوشش بدهی}} = \text{بدهی بلندمدت}$
۵	$\frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{جمع بدهی ها (جاری + بلندمدت)}} = \text{وجوه نقد عملیاتی به بدهی}$
۶	$\frac{\text{سود خالص قبل از مالیات + هزینه بهره}}{\text{نسبت پوشش بهره}} = \text{هزینه بهره}$
۷	$\frac{\text{سود قبل از مالیات + هزینه بهره}}{\text{نسبت بار مالی وام ها و تسهیلات}} = \frac{\text{((نرخ مالیات - ۱) / قسط وام) + هزینه بهره}}{\text{نسبت بار مالی وام ها و تسهیلات}}$
۸	$\frac{\text{سود قبل از مالیات و هزینه های ثابت}}{\text{نسبت پوشش هزینه های ثابت}} = \text{هزینه های ثابت}$

۱-۳- نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه

میزان سرمایه گذاری در دارایی ثابت بستگی به نوع صنعت دارد. از این رو اظهارنظر نسبت به کفایت، کم و یا زیاد بودن آن کار آسانی نیست. ولی در هر حال بررسی با استفاده از فرمول زیر شروع می شود:

$$\text{نسبت دارایی ثابت به ارزش ویژه} = \frac{\text{دارایی ثابت}}{\text{ارزش ویژه}}$$

تعیین حدی مطلوب برای نسبت بالا به لحاظ تفاوت موسسات از نقطه نظر لزوم سرمایه گذاری در دارایی ثابت کاری است بس مشکل و تنها می توان با مقایسه وضع یک شرکت با شرکت های دیگر اظهارنظر کرد. با وجود این عده زیادی از صاحبانظران و موسسات بر این باورند که نسبت فوق نباید در واحدهای صنعتی از ۱۰۰٪ و در شرکت های غیر صنعتی از ۷۵٪ تجاوز کند. تجاوز این حد حاکی از آن است که قسمتی از مطالبات اشخاص و شرکت ها از واحد تجاری در دارایی ثابت سرمایه گذاری شده است و این چنین وضعی مسلماً مطلوب تشخیص نمی شود. تعیین میزانی صحیح برای سرمایه گذاری در دارایی ثابت نشانه کاردانی و لیاقت مدیران به شمار می رود. اصولاً هر قدر سرمایه گذاری در دارایی ثابت کمتر باشد سودمندتر تشخیص می شود مشروط بر این که تولید و فعالیت امکان پذیر باشد ولی ماهیت کار بعضی صنایع ایجاب می کند که در دارایی ثابت سرمایه گذاری سنگین کنند مانند صنایع آهن و فولاد که به لحاظ لزوم سرمایه گذاری بسیار در کارخانه و توسعه و تغییراتی که مرتباً داده می شود حد متوسط این نسبت اغلب از ۷۵٪ تجاوز می کند و در موارد استثنایی نسبت بیش از ۱۰۰ درصد هم دیده می شود.

برعکس در مورد تولید ابزارآلات دستی، حد متوسط نسبت مورد بحث کمتر از ۳۵ درصد و در بعضی موارد به ۲۰ درصد ارزش ویژه هم

۲-۳- نسبت کل بدهی

نسبت کل بدهی غالباً مبین اطمینان و تأمینی است که به طور کلی بستانکاران برای وصول مطالبات خود می توانند داشته باشند و به طرز زیر محاسبه می شود:

$$\text{نسبت کل بدهی} = \frac{\text{کل بدهی}}{\text{ارزش ویژه}}$$

این نسبت نشان می دهد که جمع بدهی اعم از جاری و بلندمدت چه سهمی از مایملک صاحبان سهام را در بر می گیرد و یا به عبارت دیگر از لحاظ مالکیت چه رابطه ای بین طلبکاران و سهامداران وجود دارد. طبعاً هرچه این نسبت بزرگ تر باشد طلبکاران تأمین کمتری خواهند داشت و معمولاً وقتی نسبت مذکور به حدود ۱۰۰ درصد برسد و یا از آن تجاوز کند وضع غیر عادی تلقی می شود زیرا مفهوم آن این است که در صورت ورشکستگی و تصفیه، طلبکاران به تمامی مطالباتشان نمی رسند.

نسبت مورد بحث را به اشکال دیگر هم ارائه می کنند. بعضی ترجیح می دهند که به جای کل بدهی فقط بدهی بلند مدت با ارزش ویژه مقایسه و نسبت آنها تعیین شود. عده ای هم معکوس این نسبت را به کار می برند (به شکل زیر) که طبعاً هر قدر نسبت بزرگتر باشد

مطلوب تر تشخیص می شود:

$$\frac{\text{ارزش ویژه}}{\text{کل بدهی}}$$

۳-۳- نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه

نسبت دیگری که زیاد مورد استفاده قرار می گیرد عبارت است از مقایسه بدهی جاری با ارزش ویژه به این شکل:

بدهی جاری

ارزش ویژه

مسلماً این نسبت از نسبت قبلی کوچکتر است چه در این مورد جزئی از کل بدهی با ارزش ویژه سنجیده می شود.

هدف از کاربرد نسبت فوق تعیین وضع مطالبات طلبکاران کوتاه مدت است که در صورت بروز خطر چه پوششی برای تامین

مطالباتشان از لحاظ حقوق صاحبان سهام پیدا می کنند.

۳-۴- نسبت بدهی بلند مدت به ارزش ویژه

این نسبت، رابطه بدهی بلندمدت را در مقایسه با ارزش ویژه نشان می دهد.

بدهی بلند مدت

ارزش ویژه

۵-۳- نسبت مالکانه

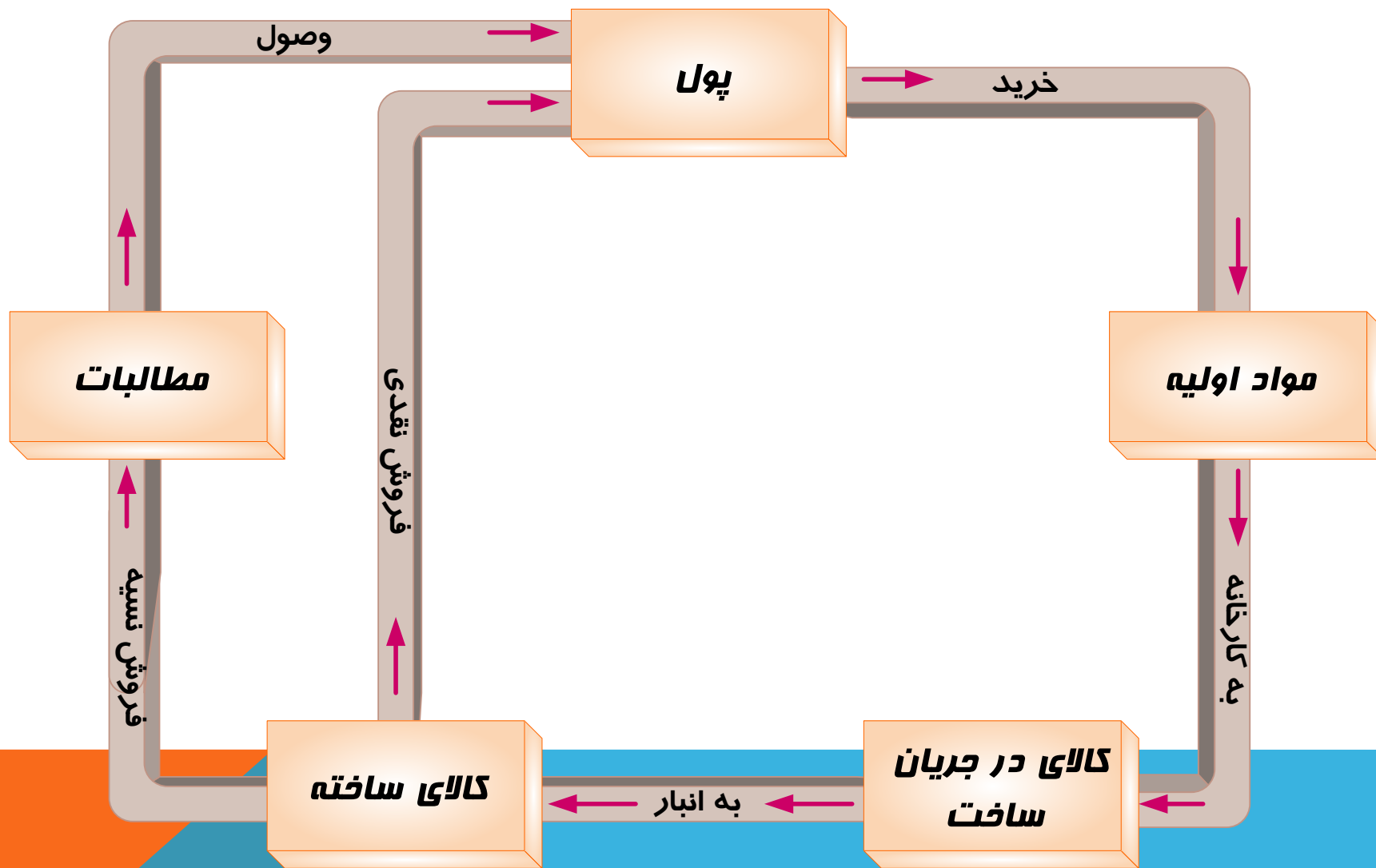
این نسبت نشان می دهد که به طور کلی چه مقدار از دارایی ها به صاحبان سهام تعلق دارد و در تفسیر با نسبت کل

بدهی، ارتباط نزدیک دارد.

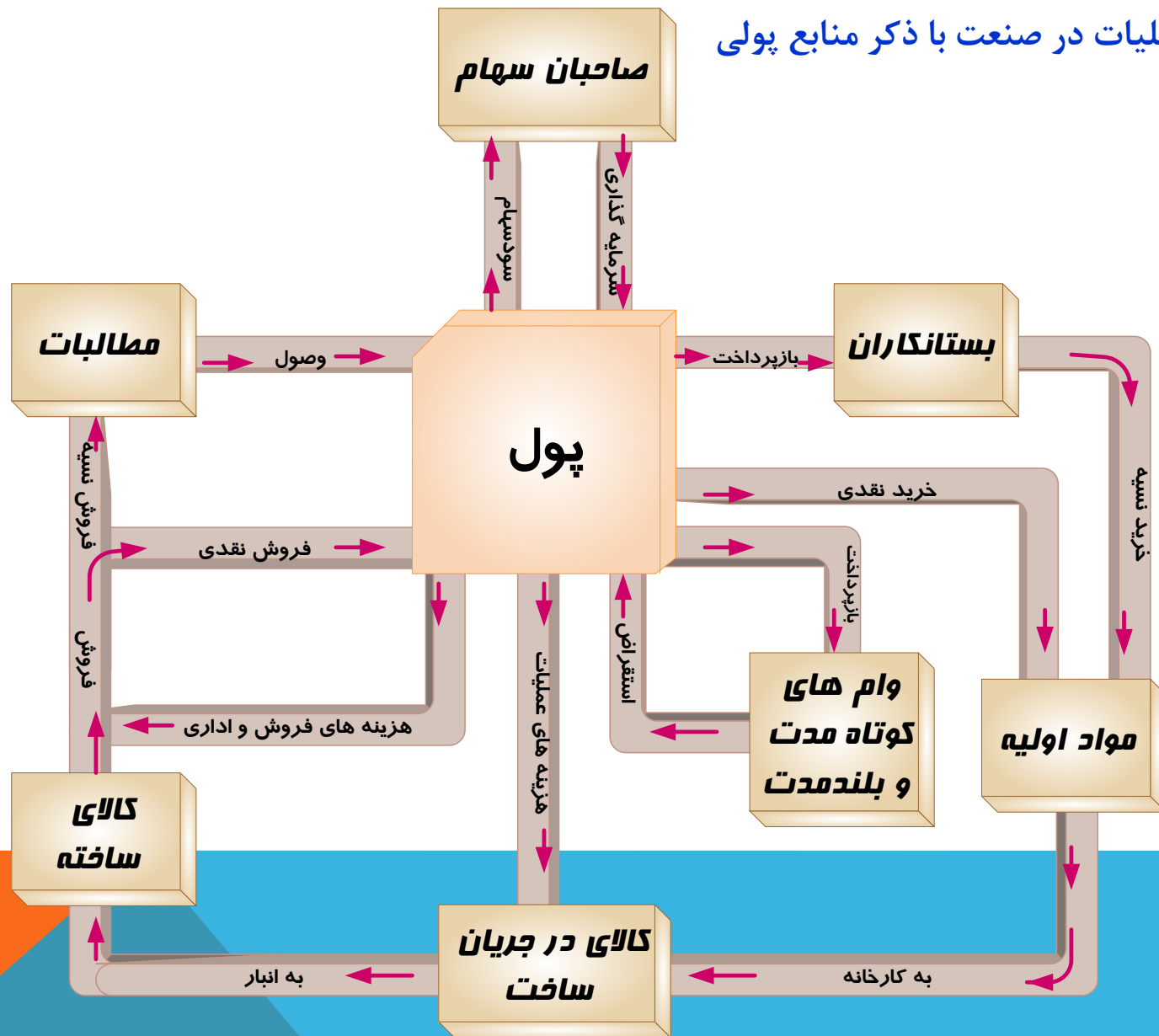
عده ای این نسبت را مکمل نسبت های نقدینگی می دانند؛ زیرا نشان می دهد که محل تامین نقدینگی استقراض

بوده است یا نه.

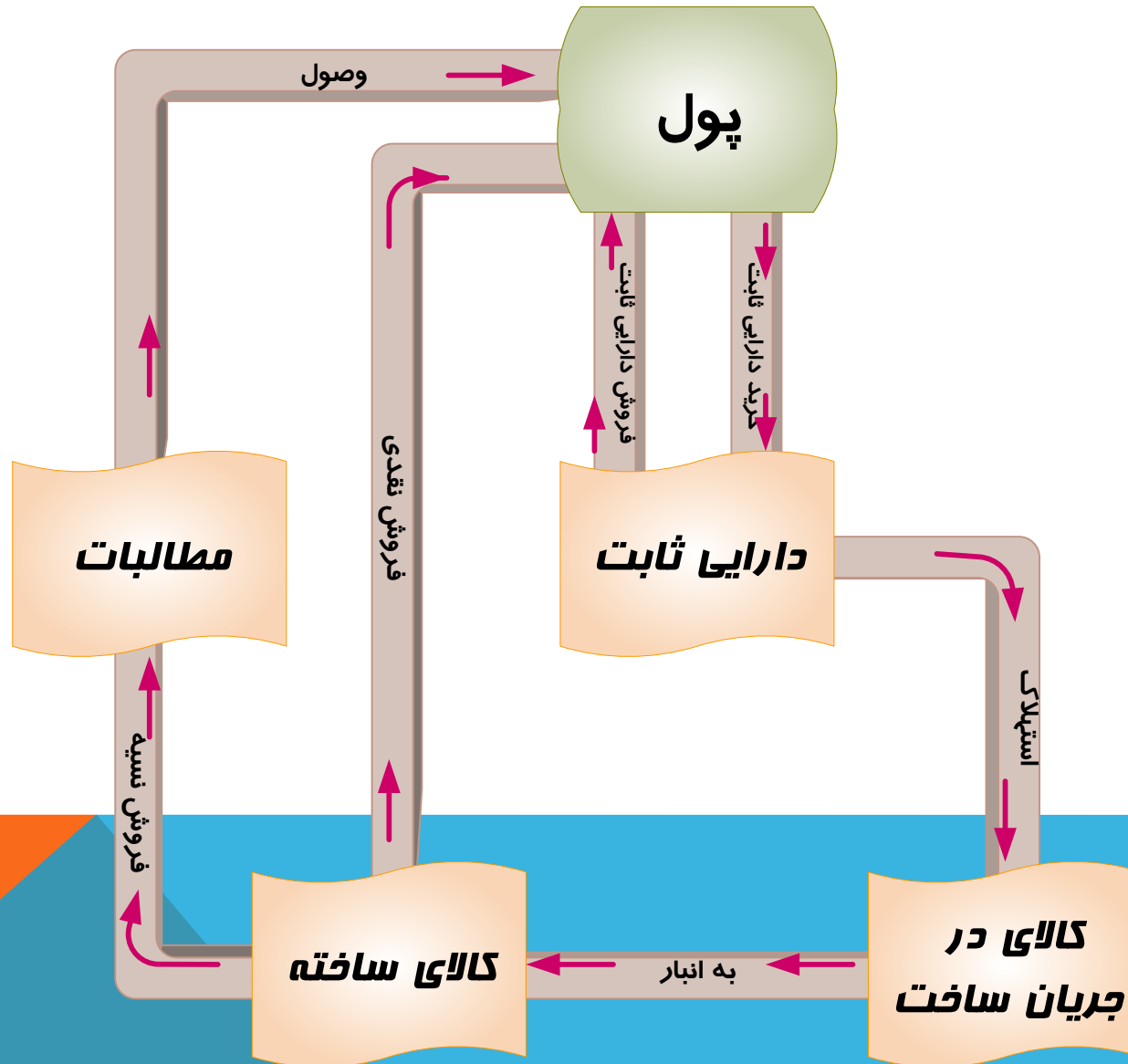
$$\text{نسبت مالکانه} = \frac{\text{حقوق صاحبان سرمایه یا ارزش ویژه}}{\text{جمع دارایی ها}}$$



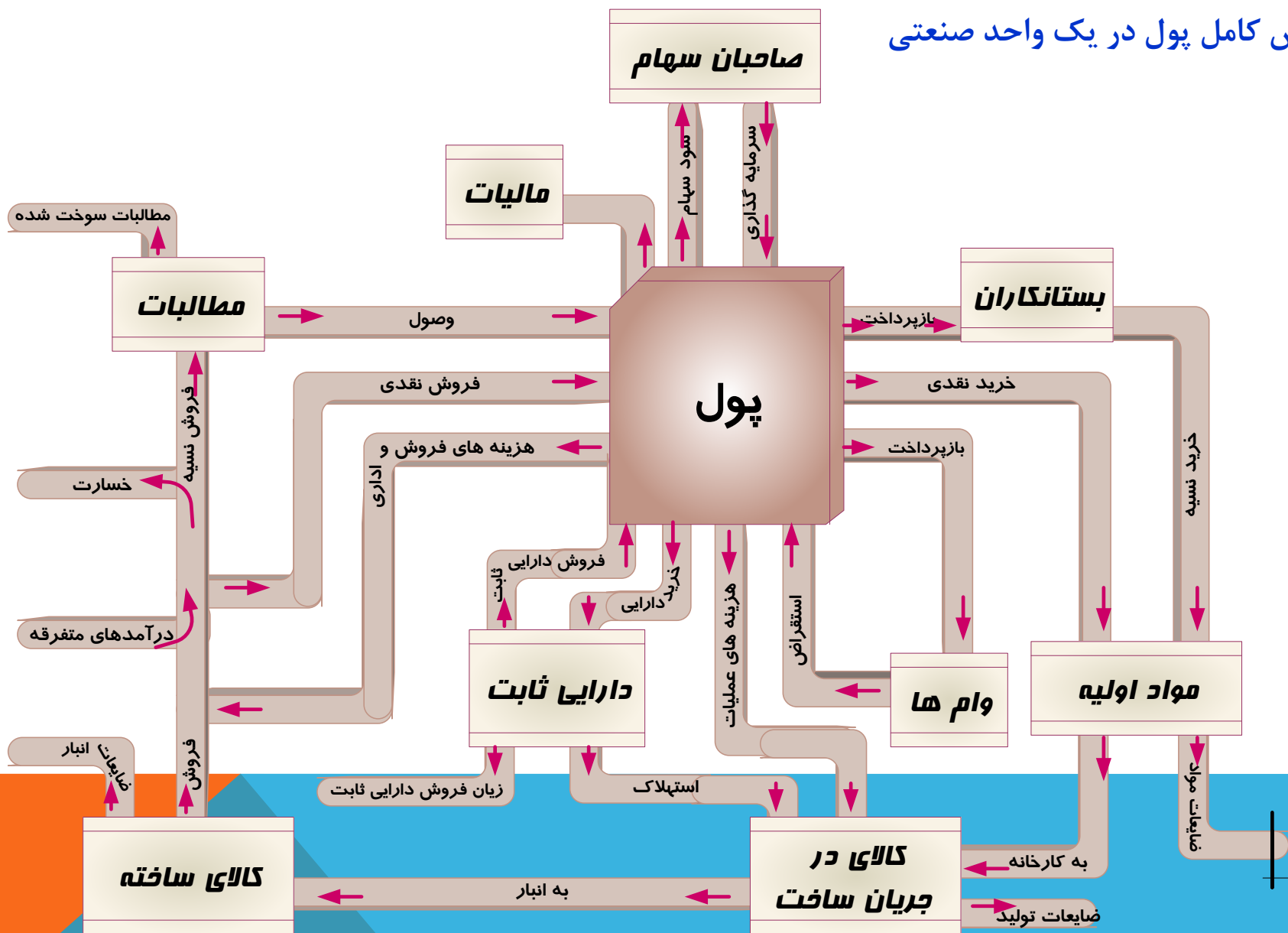
دوره گردش عملیات در صنعت با ذکر منابع پولی



دوره بلندمدت گردش پول در دارایی ثابت واحدهای صنعتی



گردش کامل پول در یک واحد صنعتی



۹. تورم

تورم در اکثر کشورها به عنوان یک عامل غیر قابل کنترل بوده و موجب غیر واقعی شدن اقلام صورت‌های مالی می‌شود بدین ترتیب

بسیاری از اقلام صورت‌های مالی جدای از نوع و ماهیت آن به علت وجود تورم مقادیر آن نوسانات شدیدی خواهد داشت.

نرخ تورم از نظر حسابداری زمانی بی اثر است که زیر ۱۰٪ باشد ، در این صورت اطلاعات بر اساس بهای تمام شده تاریخی اطلاعاتی قابل

اعتماد خواهد بود.

تورم ۱۰٪ تا ۲۷٪ تورمی است که اطلاعات را انحراف می‌دهد و تورم بالای ۲۷٪ تورم حاد است و اطلاعات مالی را در هم می‌ریزد. این

اطلاعات ارزش بسیار کمی خواهد داشت.

۲- شاخص گذاری

برای حذف اثرات تورم در صورت های مالی لازم است از مدل شاخص گذاری استفاده نماییم. در این مدل یک سال را به

عنوان سال پایه در نظر گرفته و سپس بقیه سال ها را با آن می سنجیم.

برای مثال در صفحه بعد سود سال های مختلف را بر اساس این مدل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ایم.

سال	تورم	شاخص	سود	سود تعدیل شده	درصد رشد
۱۳۷۶	۳/۱۷	۱۰۰	۵,۵۶۸	۵,۵۶۸	-
۱۳۷۷	۲۰	۱۲۰	۱۹۴.۴	۱۶,۱۷۰	۱۹۰
۱۳۷۸	۲۰ / ۴	۱۴۴.۵	۲۲,۴۳۵	۱۵,۵۲۶	-۴
۱۳۷۹	۱۲ / ۳	۱۶۲.۳	۵۱,۸۴۴	۳۱,۹۴۳	۱۰۶
۱۳۸۰	۱۱ / ۶	۱۸۱.۱	۱۷۰,۲۴۷	۹۴,۰۰۷	۱۹۴
۱۳۸۱	۱۵ / ۸	۲۰۹.۷	۴۱۴,۴۱۸	۱۹۷,۶۲۴	۱۱۰

در این مدل سود سال ۱۳۸۱ بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۷۶ سنجیده شده است. مدل فوق که نگرش اقتصادی دارد بیانگر این

مطلب است که در سال ۱۳۸۱ با ثابت گرفتن سال ۱۳۷۶ سود شرکت ۱۱۰٪ رشد داشته و شرکت از موفقیت قابل توجهی برخوردار

بوده است.

سال	تورم	شاخص	سود	سود تعدیل شده	درصد رشد
۱۳۷۶	۳/۱۷	۴۷.۷	۵,۵۶۸	۱۱,۶۷۵	-
۱۳۷۷	۲۰	۵۷.۲	۱۹۴.۴	۳۳,۹۰۶	۱۹۰
۱۳۷۸	۲۰ / ۴	۶۸.۹	۲۲,۴۳۵	۳۲,۵۶۰	-۴
۱۳۷۹	۱۲ / ۳	۷۷.۴	۵۱,۸۴۴	۶۶,۹۹۹	۱۰۶
۱۳۸۰	۱۱ / ۶	۸۶.۴	۱۷۰,۲۴۷	۱۹۷,۱۴۶	۱۹۴
۱۳۸۱	۱۵ / ۸	۱۰۰	۴۱۴,۴۱۸	۴۱۴,۴۱۸	۱۱۰

در این مدل که با نگرش حسابداری به سود نگاه شده است ، سود سال‌های گذشته را بر حسب قدرت خرید سال ۱۳۸۱ سنجیده‌ایم و در واقع به همان نتایج مشابه از لحاظ درصد رشد رسیده‌ایم.

همچنین همانطور که مشخص است با توجه با بالاتر بودن مبلغ سود در سال ۱۳۷۸ با این وجود سود سال ۱۳۷۸ بعد از تعدیلات با

تهیه صورت های مالی براساس قیمت های همگن :

همان طور که مستحضر می باشید صورت های مالی اساسی متداول ، قاعداً بر حسب ارزش های تاریخی تهیه و ارائه می شوند و در شرایط تورمی نارسایی های زیادی دارند که می تواند نتایج تحلیل مالی را کاملاً گمراه کننده نماید.

برای این که نارسایی های صورت های مالی اساسی به ویژه در شرایط تورمی تا حدود زیادی رفع شود تهیه صورت های مالی مکمل زیر نیز حسب مورد لازم است :

صورت های مالی به قیمت های ممکن یا بر حسب قدرت خرید همگن پول :

استانداردهای بین المللی حسابداری تهیه چنین صورت هایی را در شرایط حاد تورمی ضروری می شناسد . با این حال تهیه چنین صورت های تحلیل گر را کمک نموده تا برای تصمیم گیری های آتی بهتر عمل نماید، تحلیل مالی چنین صورت هایی با استفاده از شاخص عمومی قیمت ها با تخمین های نسبتاً ساده و ضرورتاً غیردقیق تهیه می گردد.

نوجه : شاخص $7/308\%$ براساس تعدیل نرخ تورم در طی پنج سال گذشته به دست آمده است .

ترازنامه سال ۱۳۷۹

دارایی ها		شاخص ها	دارایی ها پس از تعدیل
نقد	۲۲۵،۴۲۷	پولی	۲۲۵،۴۲۷
مطالبات از بانک مرکزی	۶،۷۶۵،۲۷۱	پولی	۶،۷۶۵،۲۷۱
مطالبات از بانک ها و موسسات اعتباری	۲،۶۹۴،۸۱۵	پولی	۲،۶۹۴،۸۱۵
تسهیلات اعطایی و مطالبات دولتی	۴،۸۸۰،۳۹۵	پولی	۴،۸۸۰،۳۹۵
تسهیلات اعطایی و مطالبات غیره	۱۲،۹۱۷،۰۲۲	پولی	۱۲،۹۱۷،۰۲۲
اوراق مشارکت و سایر اوراق مشابه	۶۷۵،۲۷۲	پولی	۶۷۵،۲۷۲
سرمایه گذاری ها و مشارکت ها	۱۰،۷۷،۸۰۲	پولی	۱۰،۷۷،۸۰۲
دارایی های ثابت	۱،۱۷۱،۹۴۱	۳۰۸ / ۷	۲،۴۴۵،۸۴۰
سایر دارایی ها	۵۵۲،۶۹۶	پولی	۵۵۲،۶۹۶
اقلام در راه	۷۹۲،۵۷۶	(اقلام غیر پولی بی اهمیت)	۷۹۲،۵۷۶
جمع دارایی ها	۳۱،۷۵۳،۲۱۷		۳۳،۰۳۸،۲۲۶
بدهی و سرمایه			
بدهی به بانک مرکزی	۳،۰۷۱،۰۰۶	پولی	۳،۰۷۱،۰۰۶
بدهی به بانک ها و موسسات اعتباری	۵۷۲،۲۴۵	پولی	۵۷۲،۲۴۵
سپرده های دیداری	۱۱،۵۶۷،۱۶۹	پولی	۱۱،۵۶۷،۱۶۹
سپرده های پس انداز و مشابه	۸۶۶،۴۲۱	پولی	۸۶۶،۴۲۱
سپرده های سرمایه گذاری مدت دار	۱۲،۰۳۸،۹۰۴	پولی	۱۲،۰۳۸،۹۰۴
سایر سپرده ها	۱،۷۶۶،۵۲۶	پولی	۱،۷۶۶،۵۲۶
ذخایر و سایر بدهی ها	۷۵۴،۲۹۰	پولی	۷۵۴،۲۹۰
سرمایه	۱۰،۵۲،۰۰۰	۳۰۸ / ۷ %	۲،۱۹۵،۵۲۴
اندوخته ها	۱۲،۸۱۲	۳۰۸ / ۷ %	۲۶،۷۲۹
سود و زیان اندوخته نشده	۵۱،۸۴۴	مابه التفاوت	۱۸۳،۲۸۳
جمع	۳۱،۷۵۳،۲۱۷		۳۳،۰۳۸،۲۲۶

۳- درصد گیری

درصد گیری معمولاً به دو صورت انجام می پذیرد :

۱. روش های سری های زمانی

۲. روش های سری های سازمانی

روش تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی

درصد جزء به کل ، در صورت های مالی نسبت بین یک عدد را با جمع اعدادی که آن عدد را هم در برداشته باشد، محاسبه

می‌کنیم. مثلاً "دارایی ثابت را صد می‌گیریم و اقلامی را که این حساب را متأثر می‌کنند با آن می‌سنجیم و این امر را بین دو منطقه یا دو

شرکت مشابه، انجام می‌دهیم.

برای آن که درباره چگونگی محاسبه و کاربرد نسبت های گفته شده در این بخش بیشتر بحث شود ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت بهای تمام شده کالای فروش رفته یک شرکت صنعتی را که به تولید نوعی خودرو اشتغال دارد برای سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ در ادامه آورده ایم و صورت های هم مقیاس و نسبت های گردش مطالبات، گردش کالا، نسبت سریع و فرجه تدافعی و نسبت های هزینه به فروش و حساب های دارایی یا بدهی مرتبط را که مقایسه آنها مفید تشخیص داده شده است محاسبه و تحلیل کرده ایم. برای انجام دادن محاسبات و تحلیل، اطلاعات اضافی زیر را از یادداشت های همراه صورت های مالی استخراج کرده ایم:

- حساب موجودی مواد و کالا در ترازنامه شامل موجودی لوازم یدکی، اجناس موجود در انبار خدمات بعد از فروش و سایر اجناس متفرقه است. این گونه موجودی ها در پایان سال ۷۵ بالغ بر ۳،۳۷۶ میلیون ریال و در پایان سال ۷۶ بالغ بر ۵،۱۲۴ میلیون ریال بوده است.
- میزان مطالبات تجاری در ابتدای سال ۷۵ مبلغ ۶،۹۴۰ ریال بوده است.
- میزان سفارشات مواد و کالا در ابتدای سال ۷۵ مبلغ ۲۷،۵۴۶ میلیون ریال بوده است.

- در صورت بهای تمام شده کالای فروش رفته، استهلاک دارایی های ثابت جزء هزینه های سربار محسوب شده است. هزینه استهلاک سال ۷۵ بالغ بر ۳۲۴ میلیون ریال و هزینه استهلاک سال ۷۶ بالغ بر ۴۷۲ میلیون ریال بوده است.

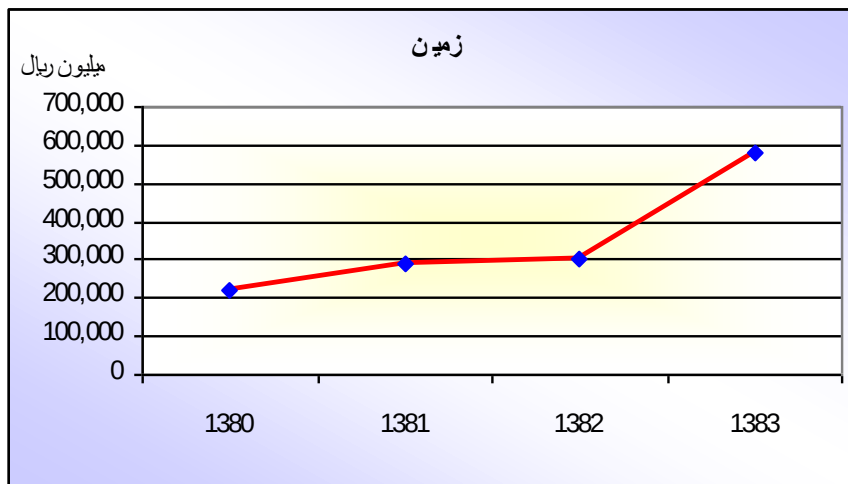
شرکت سهامی عام الفبا		
صورت سود و زیان مقایسه ای		
برای سال مالی منتهی به پایان اسفند ۷۵ و ۷۶		
۱۳۷۵	۱۳۷۶	
۷۳.۳۸۸	۷۲.۳۰۴	فروش
۴۶.۶۱۰	۴۳.۷۶۶	کسر می شود: بهای تمام شده کالای فروش رفته
۲۶.۷۷۸	۲۸.۵۳۸	سود ناخالص
		کسر می شود: هزینه های عملیاتی
۱.۸۸۸	۲.۶۰۲	هزینه های توزیع و فروش
۵.۶۷۸	۶.۶۴۲	هزینه های عمومی و اداری
۷.۵۶۶	۹.۲۴۴	جمع هزینه های عملیاتی
۱۹.۲۱۲	۱۹.۲۹۴	سود عملیاتی
		سایر درآمدها و هزینه ها
۷.۰۲۴	۲.۶۴۸	درآمدهای غیرعملیاتی
(۳.۳۰۶)	(۳.۹۸۰)	هزینه های مالی
(۱۴)	(۸۴۲)	هزینه های غیر عملیاتی
۳.۷۰۴	(۲.۱۷۴)	خالص سایر درآمدها و هزینه ها
۲۲.۹۱۶	۱۷.۱۲۰	سود خالص قبل از مالیات
(۱۴.۰۱۲)	(۳.۱۰۸)	مالیات
۸.۹۰۴	۱۴.۰۱۲	سود خالص پس از کسر مالیات

شرکت سهامی عام الفبا									
ترازنامه مقایسه ای									
در پایان سال های ۷۵ و ۷۶									
۳۰/۱۲/۷۵			۲۹/۱۲/۷۶		۳۰/۱۲/۷۵			۲۹/۱۲/۷۶	
				بدهی ها و سرمایه					دارایی ها
سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	بدهی جاری	سهم از کل	مبلغ	سهم از کل	مبلغ	دارایی جاری
۹۴/۳۵	۵۶.۹۰۴	۶۵/۲۳	۵۶.۱۷۴	اسناد پرداختنی	۷۷/۶	۱۰.۷۱۶	۸۸/۱۵	۳۷.۷۲۶	موجودی نقد
۶۷/۱	۲.۶۴۴	۲۶/۱	۲.۸۹۲	حساب های پرداختنی تجاری	۱۳/۴	۶.۵۴۴	۵۴/۲	۶۰.۲۴	حسابها و اسناد دریافتنی - تجاری
۲۴/۳	۵.۱۲۴	۰۷/۴	۹.۶۶۶	تسهیلات بانکی پرداختنی	۱۴/۷	۱۱.۳۰۰	۰۶/۲	۷.۲۵۸	سایر حساب ها و اسناد دریافتنی
۲۴/۲۰	۳۲.۰۴۴	۷۶/۱۲	۳۰.۳۱۸	سایر حساب های پرداختنی	۷۳/۳۵	۵۶.۵۷۶	۶۹/۲۰	۴۹.۱۵۴	موجودی مواد و کالا
۹۷/۶	۱۱.۰۲۸	۱۳/۳۳	۷۸.۷۱۰	پیش دریافت از مشتریان	۴۲/۲۱	۳۳.۹۱۲	۸۳/۳۹	۹۴.۶۲۸	سفارشات مواد و کالا
۰۹/۱۳	۲۰.۷۲۴	۲۵/۱	۲.۹۷۲	ذخیره مالیات بر درآمد	۸۷/۴	۷.۷۱۰	۵۰/۴	۱۰.۶۸۴	پیش پرداخت ها
	-	۶۰/۰	۱.۴۳۴	سود سهام پرداختنی و پیشنهادی					
۱۴/۸۱	۱۲۸.۴۶۸	۱۲/۷۶	۱۸۰.۸۲۲	جمع بدهی های جاری	۰۶/۸۰	۱۲۶.۷۵۸	۴۹/۸۶	۲۰۵.۴۷۴	جمع دارایی های جاری
				بدهی بلند مدت					دارایی غیر جاری
۳۶/۱۰	۱۶.۴۰۰	۰۶/۴	۹.۶۳۶	تسهیلات بانکی بلند مدت	۱۳/۰	۲۱۲	۲/۰	۴۷۸	سرمایه گذاری های بلندمدت
۵۴/۱	۲.۴۳۶	۸۹/۹	۲۳.۴۹۴	ذخیره مزایای پایان خدمت	۸۸/۸	۱۴.۰۶۲	۶۷/۶	۱۵.۸۵۲	دارایی های ثابت پس از کسر استهلاک
۹۰/۱۱	۱۸.۸۳۶	۹۵/۱۳	۳۳.۱۳۰	جمع بدهی های بلندمدت	۹۳/۱۰	۱۷.۲۹۸	۶۳/۶	۱۵.۷۵۲	سایر دارایی ها
				حقوق مالی صاحبان سرمایه	۹۴/۱۹	۳۱.۵۷۲	۵۱/۱۳	۳۲.۰۸۲	جمع دارایی های غیر جاری
۷۹/۳	۶.۰۰۰	۵۳/۲	۶.۰۰۰	سرمایه					
۹۵/۰	۱.۵۰۰	۷۶/۰	۱.۸۰۰	اندوخته قانونی					
۸۹/۱	۳.۰۰۰	۰۵/۵	۱۲.۰۰۰	اندوخته توسعه و تکمیل					
۳۳/۰	۵۲۶	۶۰/۱	۳.۸۰۴	سود انباشته					
۹۶/۶	۱۱.۰۲۶	۹۴/۹	۲۳.۶۰۴	جمع حق مالی صاحبان سرمایه					
۱۰۰	۱۵۸.۳۳۰	۱۰۰	۲۳۷.۵۵۶	جمع بدهی ها و سرمایه	۱۰۰	۱۵۸.۳۳۰	۱۰۰	۲۳۷.۵۵۶	جمع دارایی ها

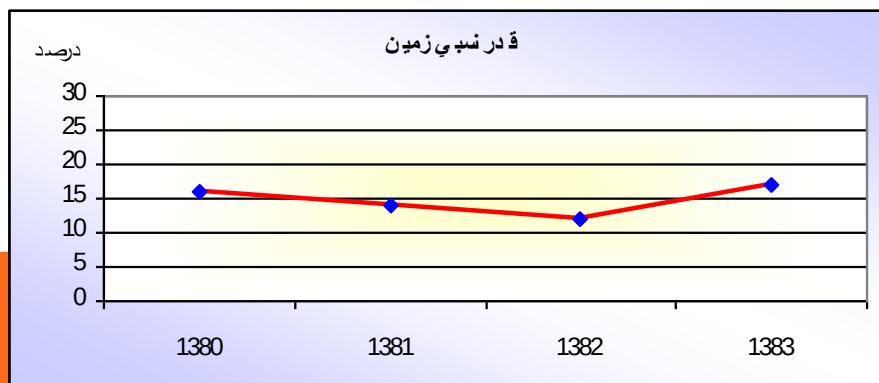
بهای تمام شده کالای فروش رفته		
۵۵,۷۸۸	۴۰,۲۹۰	موجودی مواد اولیه در ابتدای دوره
۲۲,۰۰۲	۱۸,۸۴۲	اضافه می شود: خرید طی سنوات
۷۷,۷۹۰	۵۹,۱۳۲	مواد اولیه آماده برای مصرف
(۴۰,۲۹۰)	(۳۱,۱۹۶)	کسر می شود: موجودی مواد اولیه در پایان دوره
۳۷,۵۰۰	۲۷,۹۳۶	بهای متمم شده مواد اولیه مصرف شده
۳,۴۲۰	۳,۶۰۴	دستمزد
۹,۵۹۶	۱۲,۱۵۰	سربار تولید
۵۰,۵۱۶	۴۳,۶۹۰	بهای تمام شده تولید
۵,۸۷۴	۷,۸۸۲	اضافه می شود: موجودی کالای در جریان ساخت در اول دوره
(۷,۸۸۲)	(۱۱,۰۷۰)	کسر می شود: موجودی کالای در جریان ساخت در پایان دوره
۴۸,۵۰۸	۴۰,۵۰۲	بهای تمام شده کالای ساخته شده
۳,۱۳۰	۵,۰۲۸	اضافه می شود: موجودی کالای ساخته شده در ابتدای دوره
۵۱,۶۳۸	۴۵,۵۳۰	بهای تمام شده کالای آماده برای فروش
(۵,۰۲۸)	(۱,۷۶۴)	کسر می شود: موجودی کالای ساخته شده در پایان دوره مالی
۴۶,۶۱۰	۴۳,۷۶۶	بهای تمام شده کالای فروش رفته

صورت سود و زیان هم مقیاس

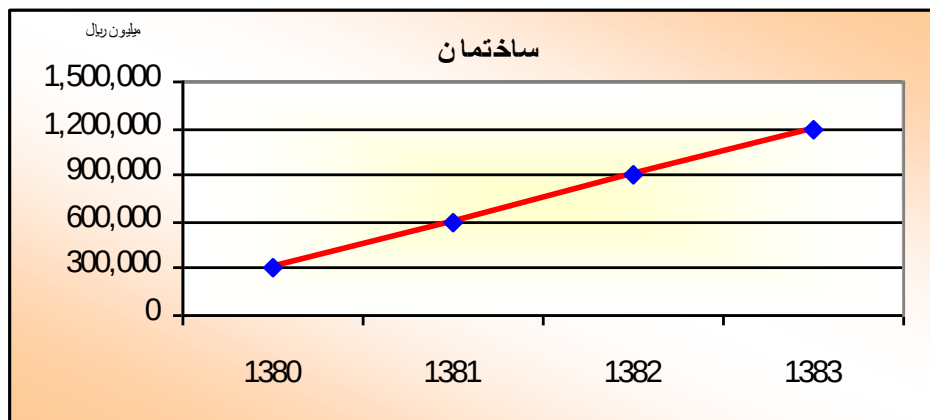
ارقام به درصد				سال	شرح
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		دارایی های ثابت
۳۳	۳۱	۲۷	۱۹		ساختمان
۱۷	۱۲	۱۴	۱۶		زمین
۱۰	۲۰	۲۵	۲۷		ماشین آلات
۱۳	۱۳	۱۰	۹		ماشین آلات مستعمل
۱۳	۱۲	۱۱	۱۳		حق الاختراع
۱۴	۱۲	۱۲	۱۴		سرقفلی
۰ / ۵	۰ / ۱۶	۱	۲		سایر



سال	زمین
۱۳۸۰	۲۲۳,۵۴۵
۱۳۸۱	۲۹۰,۲۷۵
۱۳۸۲	۳۰۲,۶۱۵
۱۳۸۳	۵۷۹,۸۶۲

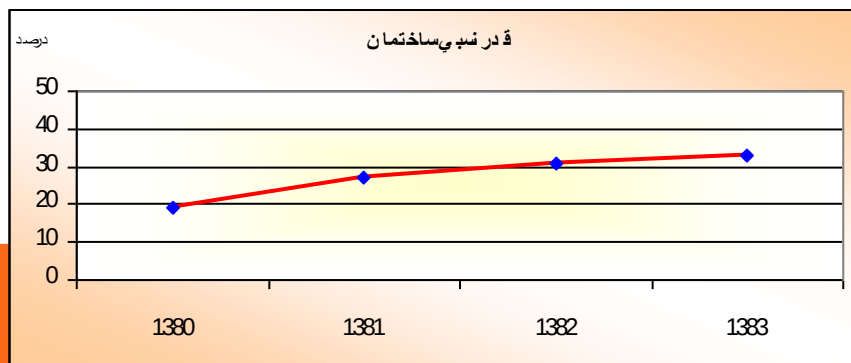


سال	قدر نسبی زمین (به درصد)
۱۳۸۰	۱۶
۱۳۸۱	۱۴
۱۳۸۲	۱۲
۱۳۸۳	۱۷

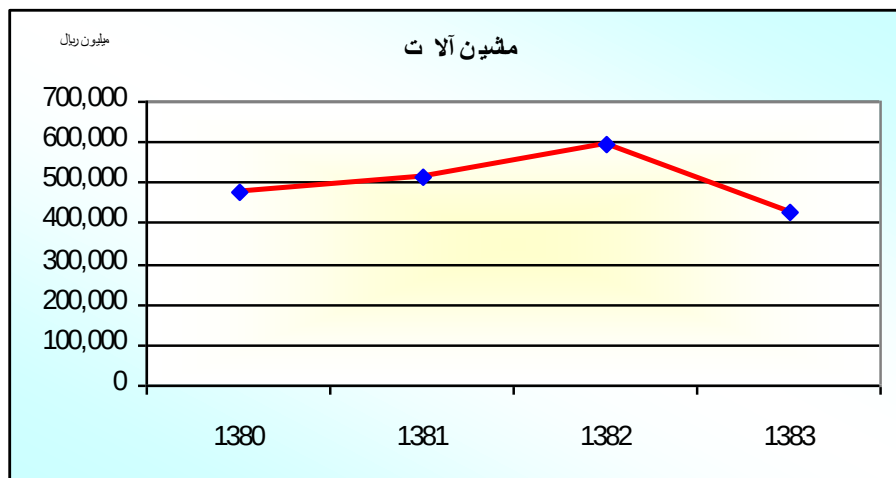


سال	ساختمان
۱۳۸۰	۳۱۱,۵۲۸
۱۳۸۱	۶۰۱,۴۵۷
۱۳۸۲	۸۹۶,۴۰۷
۱۳۸۳	۱,۲۰۱,۱۱۲

3010504

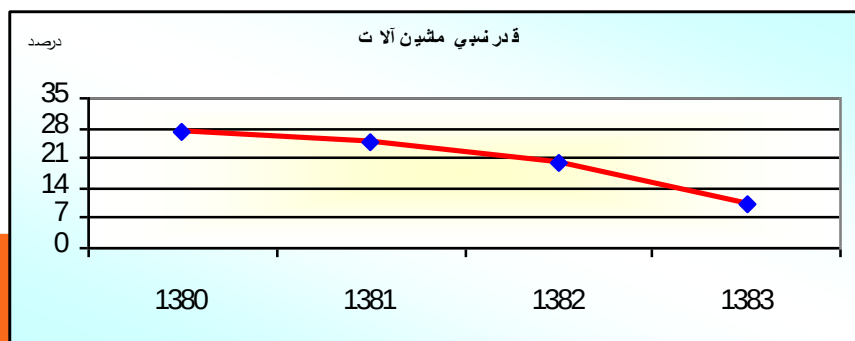


سال	قدر نسبی ساختمان (به درصد)
۱۳۸۰	۱۹
۱۳۸۱	۲۷
۱۳۸۲	۳۱
۱۳۸۳	۳۳

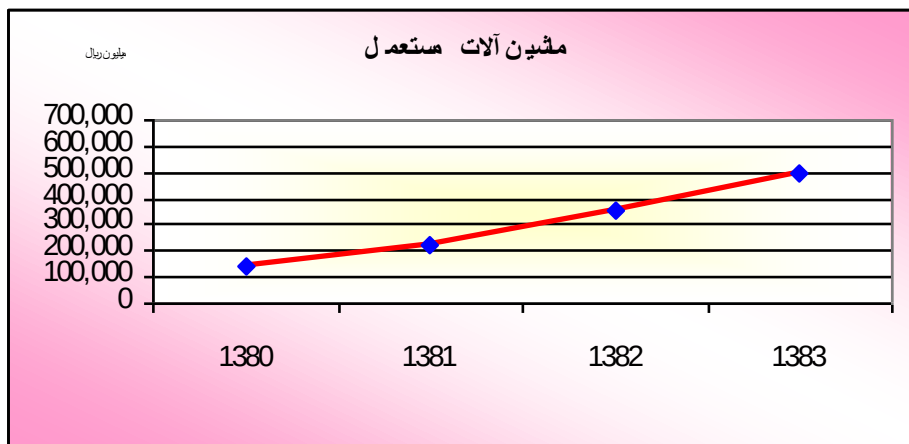


سال	ماشین آلات
۱۳۸۰	۴۷۶,۳۱۶
۱۳۸۱	۵۱۳,۹۷۱
۱۳۸۲	۵۹۴,۸۶۲
۱۳۸۳	۴۲۸,۵۶۷

3010504

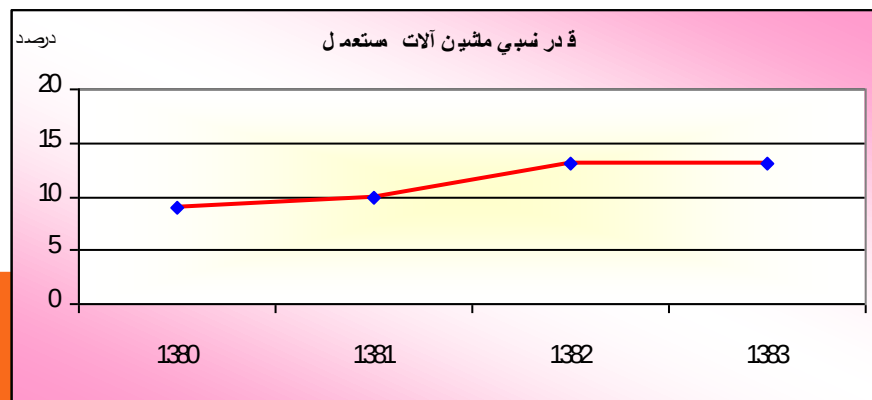


سال	قدر نسبی ماشین آلات (به درصد)
۱۳۸۰	۲۷
۱۳۸۱	۲۵
۱۳۸۲	۲۰
۱۳۸۳	۱۰



سال	ماشین آلات مستعمل
۱۳۸۰	۱۳۹,۸۴۱
۱۳۸۱	۲۲۱,۳۶۸
۱۳۸۲	۳۵۹,۶۰۲
۱۳۸۳	۴۹۷,۴۱۸

3010504



سال	قدر نسبی ماشین آلات مستعمل (به درصد)
۱۳۸۰	۹
۱۳۸۱	۱۰
۱۳۸۲	۱۳
۱۳۸۳	۱۳

روش تجزیه و تحلیل سری‌های سازمانی

منطقه ۵	منطقه ۴	منطقه ۳	منطقه ۲	منطقه ۱	سال
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	دارایی‌های ثابت
۴۰.۹	۴۸.۵	۳۶.۶	۴۲.۲	۳۶.۸	ساختمان
۶.۸	۱۰.۵	۱۵.۸	۹.۵	۸.۳	زمین
۲۶.۴	۱۵.۷	۲۳.۳	۱۷.۳	۲۸.۱	ماشین‌آلات جدید
۱۹.۷	۲۲.۰	۲۰.۱	۳۱.۰	۲۴.۱	ماشین‌آلات قدیم
۶.۳	۳.۳	۴.۲	۰	۲.۸	سایر

در سری‌های سازمانی، هر یک از اقلام صورت‌های مالی مؤسسات را با یکدیگر سنجیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

تهیه و تحلیل صورت های هم مقیاس:

ترازنامه و صورت سود و زیان هم مقیاس تهیه و در صفحات بعد ارائه شده است. برای این کار در ترازنامه هم مقیاس، کلیه اقلام ترازنامه به جمع دارایی و در صورت سود و زیان به فروش تقسیم و نتیجه به صورت درصد در ستون مربوط درج شده است.

برای آن که تحلیل صورتهای مزبور ساده شود دو ستون اضافی در جدول مربوط تعبیه شده است. در ستون اول، قدر نسبی هر یک از اقلام در سال ۷۶ به قدر نسبی همان قلم در سال ۷۵ تقسیم و حاصل در این ستون درج شده است. برای مثال، نسبت قدر نسبی موجودی نقد سال ۷۶ به سال ۷۵ به ترتیب زیر محاسبه شده است.

$$\text{نسبت قدر نسبی ۷۶ به ۷۵} = \text{قدر نسبی موجودی نقد ۷۵} \div \text{قدر نسبی موجودی نقد ۷۶}$$

$$= ۳۵/۲ \qquad ۷۷/۶\% \qquad ۸۸/۱۵\%$$

برای آن که قابلیت تحلیل بالاتر برود در ستون دوم قدر مطلق هر یک از اقلام در سال ۷۶ به قدر مطلق همان قلم در سال ۷۵ تقسیم و

حاصل در این ستون درج شده است. برای مثال، نسبت قدر مطلق موجودی نقد سال ۷۶ به سال ۷۵ به ترتیب زیر محاسبه شده است.

$$\text{نسبت قدر مطلق ۷۶ به ۷۵} = \text{مبلغ موجودی نقد ۷۵} \div \text{مبلغ موجودی نقد ۷۶}$$

$$= ۵۲/۳ \qquad ۱۰,۷۱۶ \qquad ۳۷,۷۲۶$$

بنابر محاسبات بالا موجودی نقد در سال ۷۶ بیش از ۵/۳ برابر سال ۷۵ شده اما از لحاظ قدر نسبی، یعنی نسبت موجودی نقد به کل دارایی،

به ۳۵/۲ برابر رسیده است. به طوری که قبلاً گفته شد حساب‌برسان معمولاً تغییراتی حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد در قدر نسبی اقلام در دو سال

پیاپی را مناسب در نظر می‌گیرند. به این ترتیب، تغییرات موجودی نقد بسیار زیاد و رسیدگی دقیق و تفصیلی به حساب لازم خواهد بود.

این کار در مورد کلیه اقلام مندرج در صورتهای مالی م مقیاس انجام شده و اقلامی که دچار تغییر شدید شده اند با سایه مشخص شده اند.

علاوه بر موجودی نقد اقلامی چون سفارشات مواد و کالا، سرمایه گذاری های بلندمدت، ذخیره مالیات بر درآمد، ذخیره مزایای پایان

خدمت، هزینه های توزیع و فروش، هزینه های غیر عملیاتی و موجودی کالای ساخته شده در پایان دوره، تغییرات فاحشی در طی دو سال

داشته و به چند برابر یا یک چندم رسیده اند. بدیهی است صورتهای مالی هم مقیاس را می تواند با سهولت بسیار به وسیله کامپیوتر و با

استفاده از نرم افزارهای صفحه گسترده یا کاربرگ تهیه کرد.

۲- روش تغییر دوره به دوره (Period _ to _ period change Method)

روش تغییر دوره به دوره معمولترین روشی است که مورد استفاده قرار می گیرد، و اگر درست بکار رود نتایج مطلوبی در پیش بینی به دست می دهد. این روش، مبتنی بر محاسبات جبری روند داده هاست به این ترتیب که ملاک محاسبه را تغییرات ایجاد شده در یک یا چند دوره مالی گذشته قرار می دهند.

با استفاده از فنون ریاضی ساده، مطلب را بهتر می توانیم توضیح دهیم:

اگر فرض کنیم X_t نشانه مبلغ یا مانده حساب در سال t باشد، پس X_{t-1} نمایانگر مانده حساب در سال قبل از آن، و طبعاً X_{t+1} حاکی از رقم یا مانده حساب در سال بعد از آن می شود. به همین ترتیب X_{t-2} و X_{t-3} نشانه هایی حاکی از مانده حساب در دو یا سه سال قبل است.

وقتی از طریق اول، که آن را طریق تغییر قدر مطلق می نامند، استفاده شود، فرمول محاسبه چنین است:

$$x_{t+1} = x_t + (x_t - x_{t-1})$$

(سال ماقبل - سال آخر) + سال آخر = سال بعد

حال اگر ارقام فروش سال آخر و سال قبل از آن را بکار بریم، پیش بینی هزینه پرسنلی برای سال ۷۷ عبارت خواهد شد از:

(هزینه پرسنلی سال ۷۵ - هزینه پرسنلی سال ۷۶) + هزینه پرسنلی سال ۷۶ = پیش بینی هزینه پرسنلی

$$\begin{aligned} \text{سال بعد (۷۷)} &= ۶۴۵,۹۰۱ + (۶۴۵,۹۰۱ - ۶۶۸,۶۳۶) \\ &= ۶۲۳,۱۶۶ \end{aligned}$$

و هر گاه از طریق دوم، که آن را طریق نرخ تغییر می نامند، عمل کنیم، فرمول محاسبه به شرح زیر خواهد بود:

$$x_{t-1} = x_t + (x_{t-1} \div x_t)$$

(سال ماقبل ÷ سال آخر) * سال آخر = سال بعد

که مجدداً با استفاده از ارقام فروش سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، رقم مربوط به سال بعد، یعنی پیش بینی هزینه پرسنلی سال

۱۳۷۷، به شرح زیر خواهد بود:

(هزینه پرسنلی سال ۷۵ - هزینه پرسنلی سال ۷۶) + هزینه پرسنلی سال ۷۶ = پیش بینی هزینه پرسنلی

سال بعد (۷۷)

$$= ۶۴۵,۹۰۱ * (۶۴۵,۹۰۱ \div ۶۶۸,۶۳۶) = ۶۲۳,۹۳۹$$

۳- روش میانگین موزون

ایرادی که به روش بالا، یعنی روش تغییر دوره به دوره، وارد دانسته اند این است که در آن، همه دوره ها یکسان و مشابه یکدیگر

منظور و محاسبه می شوند. همان طور که می دانیم، از لحاظ پیش بینی حال و آینده، دوره های مالی اخیر بر دوره های مالی

قدیم ترجیح و تأثیر بیشتر دارند و نو و کهنه را نباید هم پایه و هم مقیاس منظور داشت. ارتباط حال به گذشته نزدیک

بیشتر از گذشته دور است.

به منظور رفع این نقص، روش میانگین موزون به کار می رود که در آن به تناسب درجه اهمیت و تأثیر هر دوره، برای آن ضریبی

تعیین می کنند. تعیین ضرایب برای دوره های مورد مقایسه، کاری است مشکل و به تجربه و قضاوت حسابرس و بررسی سوابق کار

بستگی دارد.

نحوه به کارگیری روش میانگین موزون

سال	هزینه پرسنلی	هزینه پرسنلی	نرخ یا درصد تغییر هزینه پرسنلی %	ضریب	نرخ موزون تغییر سنواتی %	مبلغ موزون تغییر سنواتی
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
۱۳۷۰	۳۶۱،۹۳۶					
۱۳۷۱	۴۰۰،۷۷۶	۳۸،۸۴۰	۷۳/۱۱۰	۱	۷۳/۱۱۰	۳۸،۸۴۰
۱۳۷۲	۵۱۸،۶۰۹	۱۱۷،۸۳۳	۴۰/۱۲۹	۲	۸۰/۲۵۸	۲۳۵،۶۶۶
۱۳۷۳	۵۹۲،۳۱۴	۷۳،۷۰۵	۲۱/۱۱۴	۳	۶۴/۳۴۲	۲۲۱،۱۱۵
۱۳۷۴	۵۵۳،۰۴۷	(۳۹،۲۶۷)	۳۷/۹۳	۴	۴۸/۳۷۳	(۱۵۷،۰۶۸)
۱۳۷۵	۶۶۸،۶۳۶	۱۱۵،۵۸۹	۹۰/۱۲۰	۵	۵۰/۶۰۴	۵۷۷،۹۴۵
۱۳۷۶	۶۵۴،۹۰۱	(۲۲،۷۳۵)	۶۰/۹۶	۶	۶۰/۵۷۹	۱۳۶،۴۱۰
	جمع	۲۸۳،۹۶۵	۲۲/۶۶۵	۲۱	۷۵/۲۲۶۹	۷۸۰،۰۸۸
		÷ ۶	÷ ۶		÷ ۲۱	÷ ۲۱
		۴۷،۳۲۸	۸۷/۱۱۰		۰۸/۱۰۸	۳۷،۱۴۷
(۶) = (۴) * (۵)						
(۷) = (۳) * (۵)						

بر اساس مندرجات جدول بالا، اگر بخواهیم میزان هزینه پرسنلی سال بعد (۱۳۷۷) را پیش بینی کنیم، چنین نتیجه می گیریم:

$$\text{مبلغ موزون تغییر سنواتی} + \text{هزینه پرسنلی سال آخر (۱۳۷۶)} = \text{پیش بینی هزینه پرسنلی سال ۷۷ به روش میانگین موزون و به طریق تغییر قدر مطلق}$$

$$= ۶۴۵،۹۰۱ + ۳۷،۱۴۷ = ۶۸۳،۰۴۸$$

راه دیگری هم برای همین محاسبه وجود دارد که به جای مبلغ موزون تغییر سنواتی، از نرخ موزون تغییر سنواتی استفاده کنیم:

$$\text{نرخ موزون تغییر سنواتی} + \text{هزینه پرسنلی سال آخر (۱۳۷۶)} = \text{پیش بینی هزینه پرسنلی سال ۷۷ به روش میانگین موزون و به طریق تغییر نرخ}$$

$$= ۶۴۵،۹۰۱ * ۰۸/۱۰۸ \% = ۶۹۸،۱۵۴$$

۴. روش میانگین متحرک

روش میانگین متحرک هم مبتنی بر این است که به دوره های مالی اخیر که نزدیک تر به زمان حاضر و آینده هستند،

اهمیت و تاثیر بیشتری داده شود. در این روش در مقام مقایسه با سایر روش ها برای مواردی که کاربر بخواهد پیش بینی های

ماهانه یا فصلی بنماید، بهتر نتیجه می دهد و علت این مزیت در این است که تغییرات فصلی فعالیت های بازرگانی . صنعتی را به

آسانی منعکس می کند و با گذشت هرماه و یا هر فصل (بسته به مورد) از ارقام جدیدتری استفاده می شود و طبعاً با وضع روز و

زمان حال بیشتر تطبیق می نماید. در استفاده از این روش، کاربر می باید ابتدا طول دوره نوسانات یعنی فراز و نشیب تغییرات داده

ها را تعیین کند. با ذکر مثالی موضوع روشن تر می شود. با مراجعه به جدول می بینیم که طی چهارسال آخر یعنی از سال ۱۳۷۳

تا ۱۳۷۶ هر دو سال یکبار فراز و نشیبی در فعالیت و یک دوره تغییرات دیده می شود. طبعاً آخرین این دوره دو ساله را که سال

های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ می باشد و برای پیش بینی مفیدتر است، مبنای پیش بینی و پایه محاسبه میانگین متحرک قرار می دهیم:

هزینه پرسنلی سال $\div 2$ (تغییرات هزینه پرسنلی سال آخر + تغییرات هزینه پرسنلی سال ماقبل آخر)

پیش بینی هزینه پرسنلی سال ۷۷

$$= ۷۶$$

به روش میانگین متحرک و به طریق

$$= ۶۹۲,۵۴۳ \quad](۱۱۵,۵۸۹ - ۲۲,۷۳۵) \div 2 [= ۶۴۵,۹۰۱$$

تغییر قدر مطلق

پیش بینی هزینه پرسنلی سال ۷۷ به

$$= ۷۶ \quad](نرخ هزینه پرسنلی سال آخر + نرخ هزینه پرسنلی سال ماقبل آخر) [نرخ هزینه پرسنلی سال$$

روش میانگین متحرک و به طریق تغییر

$$= ۶۴۵,۹۰۱ \quad [(\%۹/۱۲۰ + \%۶/۹۶) \div 2] = ۷۰۲,۴۱۷$$

نرخ

عبارت است از همه هزینه های تولید به استثنای مواد اولیه، این هزینه ها صرفاً تبدیل به مواد اولیه به محصول می شود. در شرکت هایی که هزینه های تولید را به سه گروه طبقه بندی می کنند هزینه های تبدیل شامل دستمزد مستقیم و هزینه های غیر مستقیم تولید است.

در شرکت هایی که هزینه های تولید را به دو گروه طبقه بندی می کنند، هزینه های تبدیل تنها دربرگیرنده هزینه های غیر مستقیم تولید است. در شرکت هایی که هزینه های تولید را به دو گروه یا سه گروه تقسیم می کنند اجزای تشکیل دهنده هزینه های اولیه و هزینه های تبدیل به شرح زیر است:

طبقه بندی دوگانه

طبقه بندی سه گانه

هزینه های مواد مستقیم

هزینه های مواد مستقیم

هزینه های اولیه

هزینه های دستمزد مستقیم تولید

هزینه های غیر مستقیم تولید

هزینه های دستمزد مستقیم تولید

هزینه های تبدیل

هزینه های غیر مستقیم تولید

طبقه بندی هزینه ها

می توان هزینه ها را بر اساس مبانی زیر طبقه بندی کرد:

1- کارکرد تجاری:

(الف) تحقیق و توسعه

(ب) طراحی محصول، خدمات و فرایند

(پ) تولید

(ت) بازاریابی

(ث) توزیع

(ج) خدمات پس از فروش

۲- تسهیم به موضوع هزینه:

(الف) هزینه های مستقیم

(ب) هزینه های غیر مستقیم

۳- الگوی رفتاری با توجه به تغییراتی که در میزان یا سطح عامل هزینه رخ می دهد:

(الف) هزینه های متغیر

(ب) هزینه های ثابت

۴- مجموع یا میانگین:

(الف) هزینه های کل

(ب) هزینه های واحد

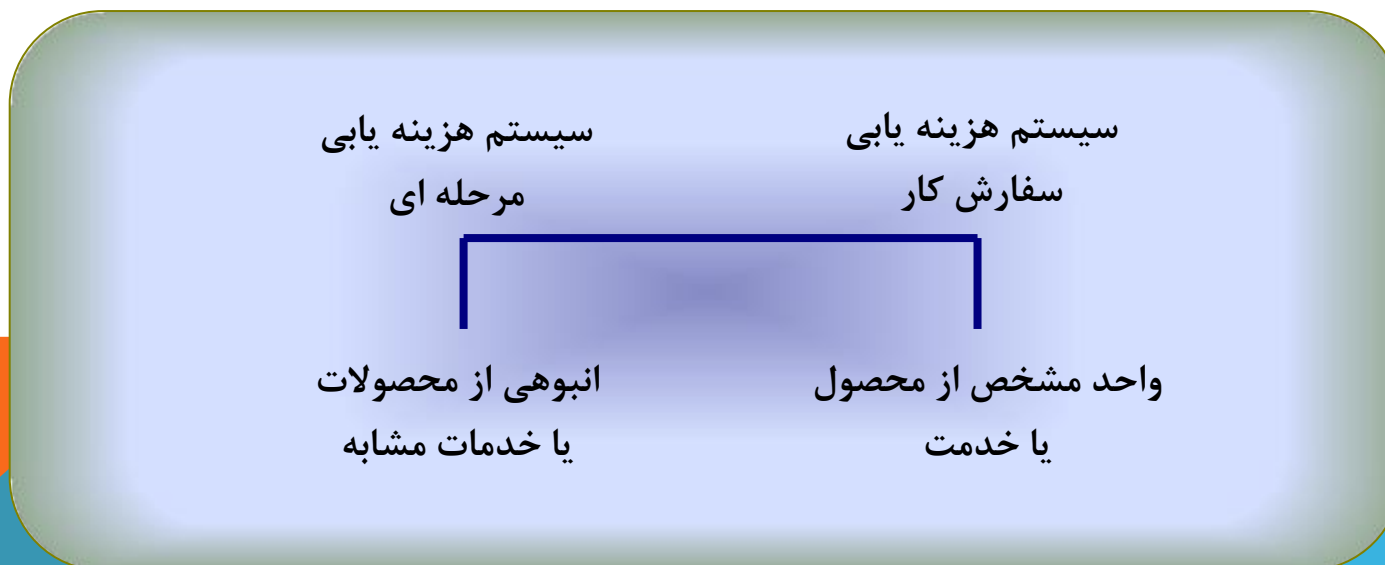
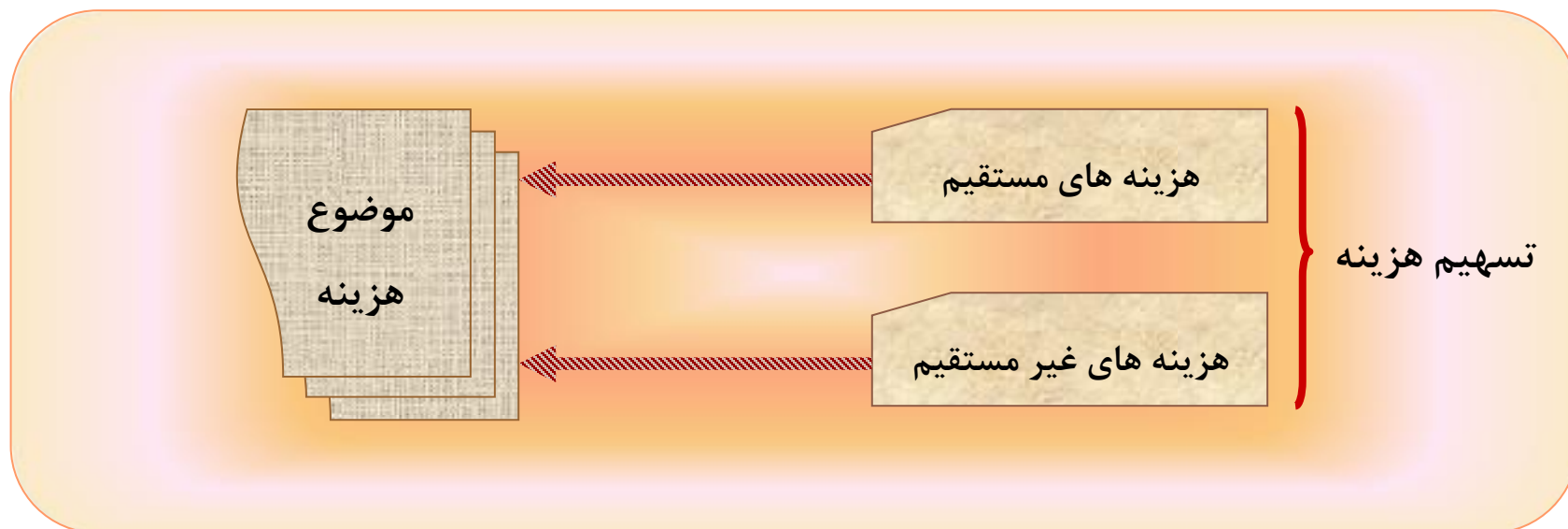
۵- هزینه ها در صورت های مالی:

(الف) هزینه های سرمایه ای

هزینه های سرمایه ای مرتبط با موجودی کالا

هزینه های سرمایه ای نامرتبط با موجودی کالا

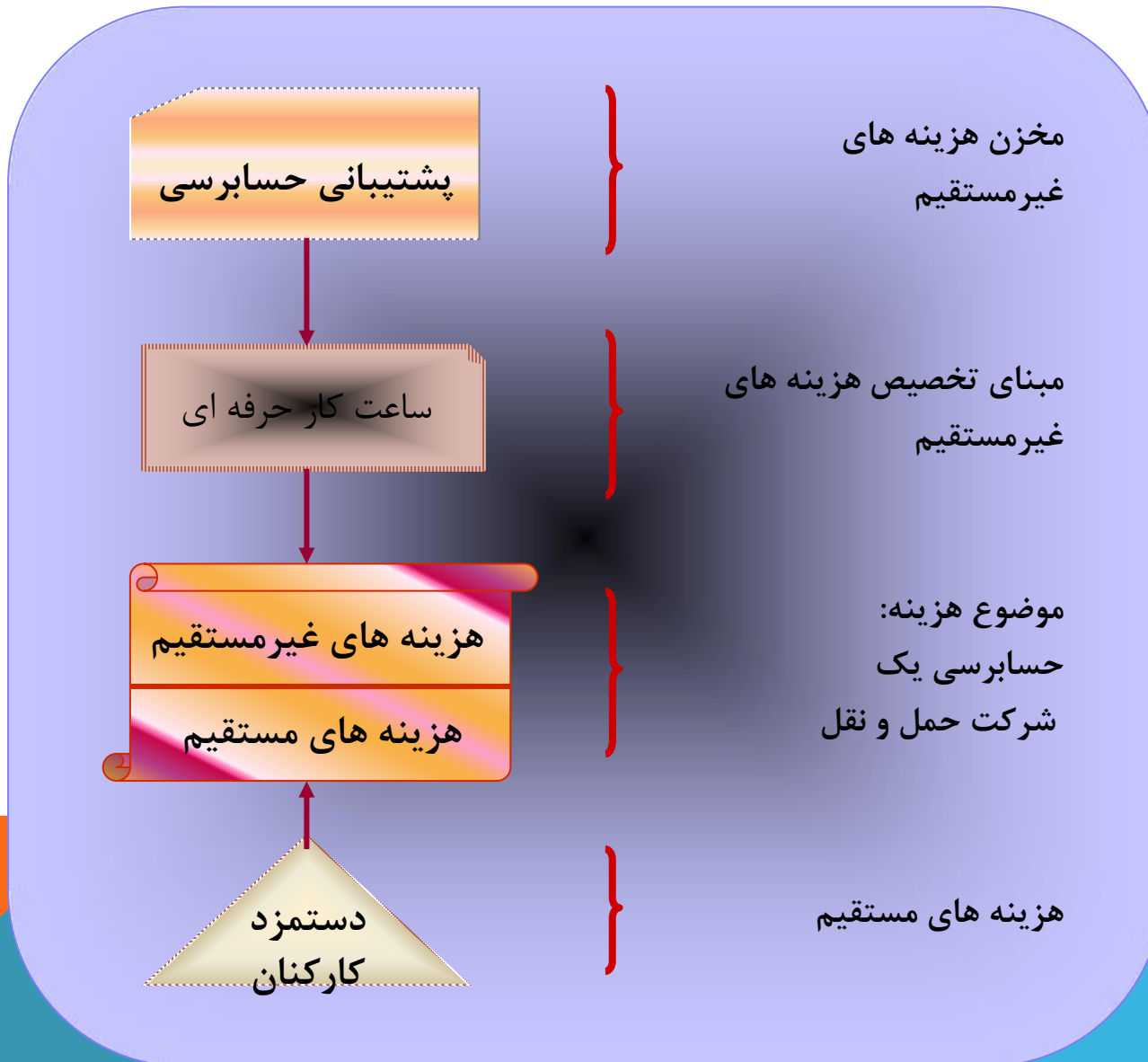
(ب) هزینه های غیر سرمایه ای



نمونه ای از هزینه یابی سفارش کار و هزینه یابی مرحله ای در بخش های بازرگانی، تولیدی و خدماتی

بخش خدماتی	بخش بازرگانی	بخش تولیدی
- موسسه - حسابرسی	- ارسال یک دفترچه ✓ - راهنمای محصولات برای مشتری	* مونتاژ هواپیما
مبارزات سازمان تبلیغاتی	تبلیغ ویژه برای یک محصول جدید مغازه ✓	* خانه سازی
پردازش سپرده ها در بانک	داد و ستد غلات ✓	* پالایشگاه نفت
تحويل نامه یا محموله استاندارد به وسیله مامور پست	پردازش تقاضاهای مشترکان جدید مجله ✓	* تولید نوشابه

تصویر کلی (نمودار) هزینه یابی سفارش کار



انحراف از بودجه	واقعی ۸ x ۱۳	بودجه ۸ x ۱۳	
ریال (۳,۴۲۰)	<u>ریال ۲۹,۷۰۰</u>	<u>ریال ۳۳,۱۲۰</u>	درآمد
			هزینه ها:
(۶۳۰)	۱۳,۷۷۰	۱۴,۴۰۰	هزینه کار حرفه ای
			سایر هزینه های پرسنلی
(۱۹۰)	۱,۸۴۰	۱,۸۴۰	حقوق کارکنان اداری
۲۲۲	۱,۲۳۰	۱,۲۳۰	حقوق متخصصان اطلاعات
(۱۵۲)	۱,۱۰۰	۱,۱۰۰	هزینه های اداری
(۲۱۸)	<u>۸۲۰</u>	<u>۸۲۰</u>	سایر
(۳۳۸)	۴,۹۹۰	۵,۳۲۸	هزینه غیر پرسنلی
(۹۱)	۲,۰۶۹	۲,۰۶۹	بیمه تعهدات حرفه ای
(۳۴۰)	۵۴۰	۵۴۰	تحقیقات حرفه ای
(۸۷)	۱,۹۱۳	۱,۹۱۳	اجاره
۱۰۰	۱,۵۳۰	۱,۵۳۰	تلفن، دورنویس، تکثیر
(۵۲)	۷۱۸	۷۱۸	مسافرت
۶۸	<u>۹۳۰</u>	<u>۹۳۰</u>	سایر
(۹۰۰)	<u>۲۶,۴۶۰</u>	<u>۲۷,۳۶۰</u>	کل هزینه ها
(۲,۵۲۰)	۳,۲۴۰	۵,۷۶۰	سود عملیاتی

قسمت الف: فرمول کلی

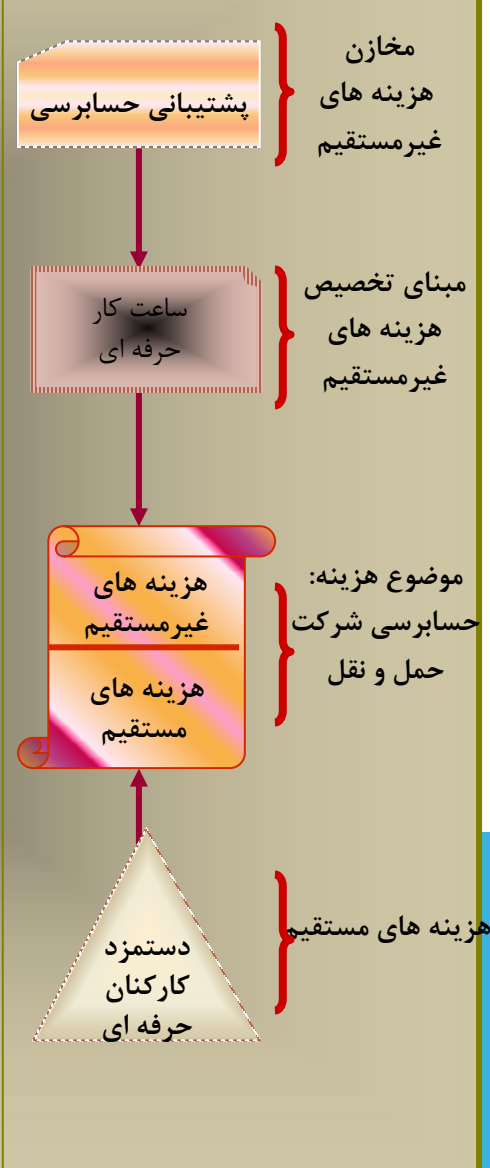
هزینه یابی واقعی	هزینه یابی عادی	هزینه یابی عادی گسترده
هزینه های مستقیم	نرخ هزینه های مستقیم واقعی	نرخ هزینه های مستقیم بودجه شده
*	*	*
مقدار واقعی ورودی هزینه مستقیم	مقدار واقعی ورودی هزینه مستقیم	مقدار واقعی ورودی هزینه مستقیم
هزینه های غیر مستقیم	نرخ هزینه های غیرمستقیم بودجه شده	نرخ هزینه های غیر مستقیم بودجه شده
*	*	*
مقدار واقعی مبنای تخصیص هزینه	مقدار واقعی مبنای تخصیص هزینه	مقدار واقعی مبنای تخصیص هزینه

قسمت ب: هزینه یابی حسابرسی شرکت حمل و نقل

هزینه های مستقیم	هزینه یابی واقعی	هزینه یابی عادی	هزینه یابی عادی گسترده
هزینه های مستقیم	۵۱،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۰،۸۰۰،۰۰۰	۵۱،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۰،۸۰۰،۰۰۰	۵۰،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۰،۰۰۰،۰۰۰
هزینه های غیر مستقیم	۳۷،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۷،۶۰۰،۰۰۰	۳۵،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۶،۰۰۰،۰۰۰	۳۵،۰۰۰*۸۰۰ - ۳۶،۰۰۰،۰۰۰
	<u>۷۸،۴۰۰،۰۰۰</u>	<u>۷۶،۸۰۰،۰۰۰</u>	<u>۷۶،۰۰۰،۰۰۰</u>

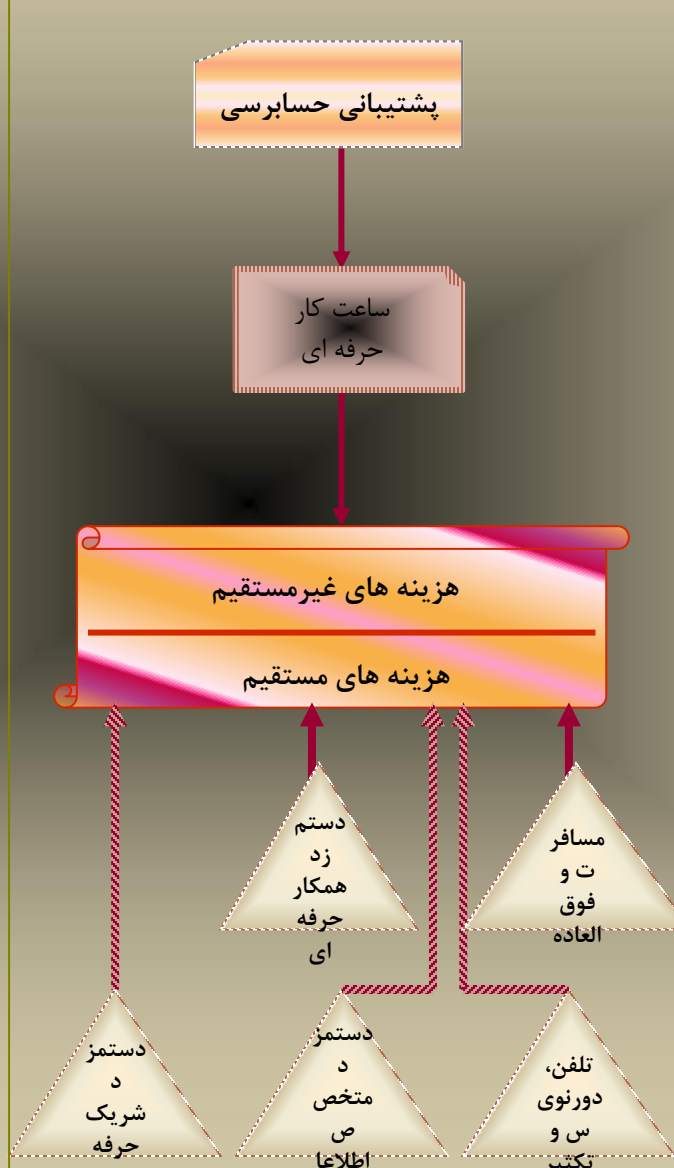
قسمت الف:

یک مخزن هزینه غیرمستقیم
یک گروه هزینه مستقیم



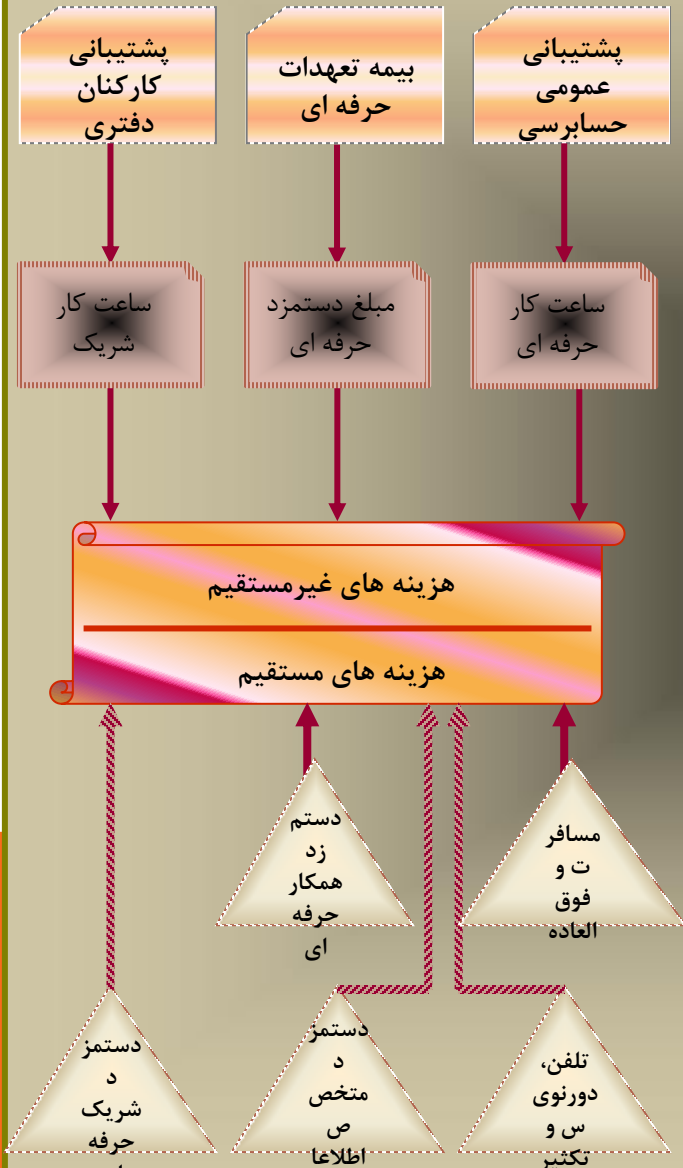
قسمت ب:

یک مخزن هزینه غیرمستقیم
یک گروه هزینه غیرمستقیم



قسمت پ:

یک مخزن هزینه غیرمستقیم
چند گروه هزینه مستقیم



قسمت ب: تصویر کلی هزینه یابی سفارش کار

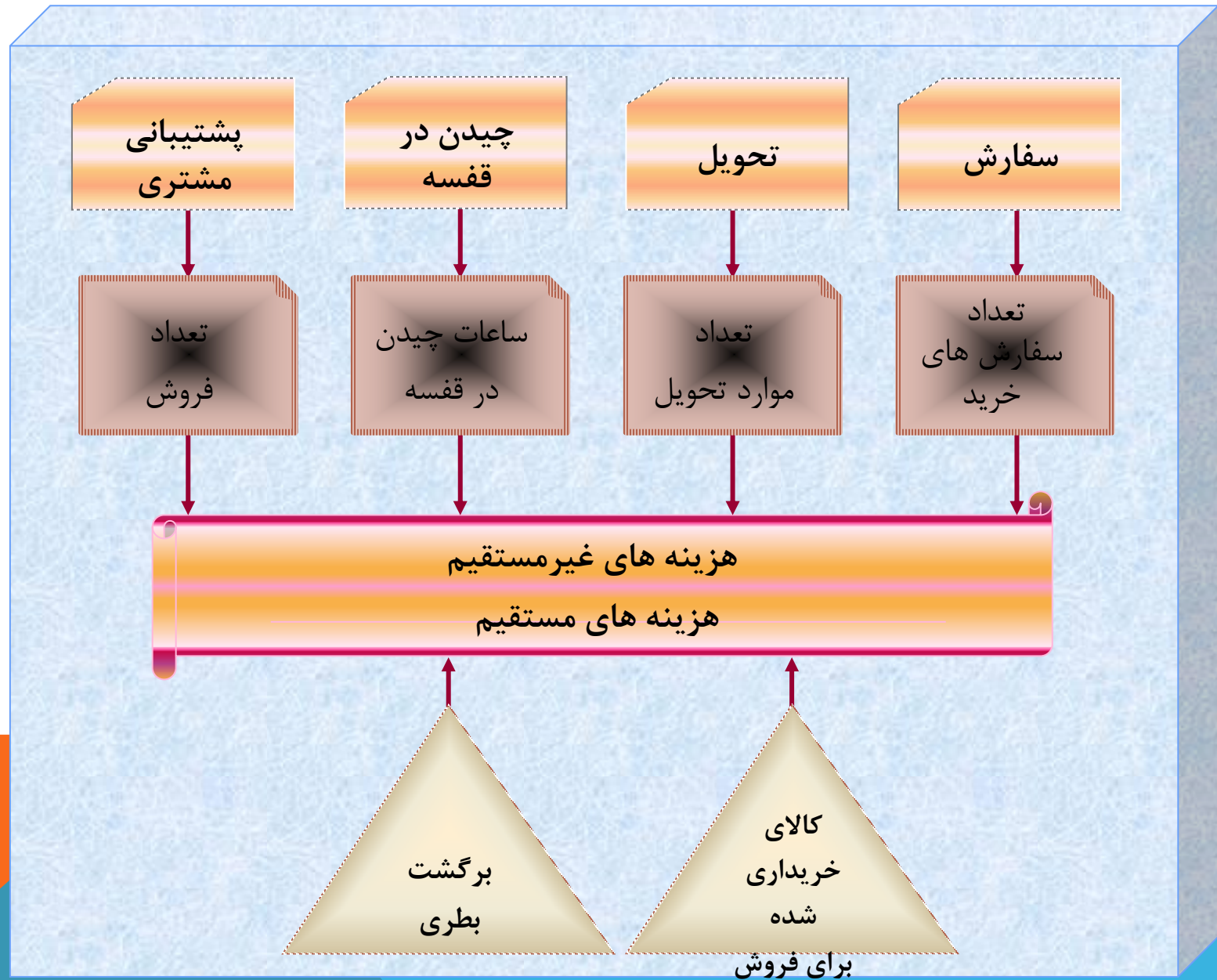


سودآوری خط محصول در فروشگاه آسایش با استفاده از هزینه یابی بر مبنای فعالیت

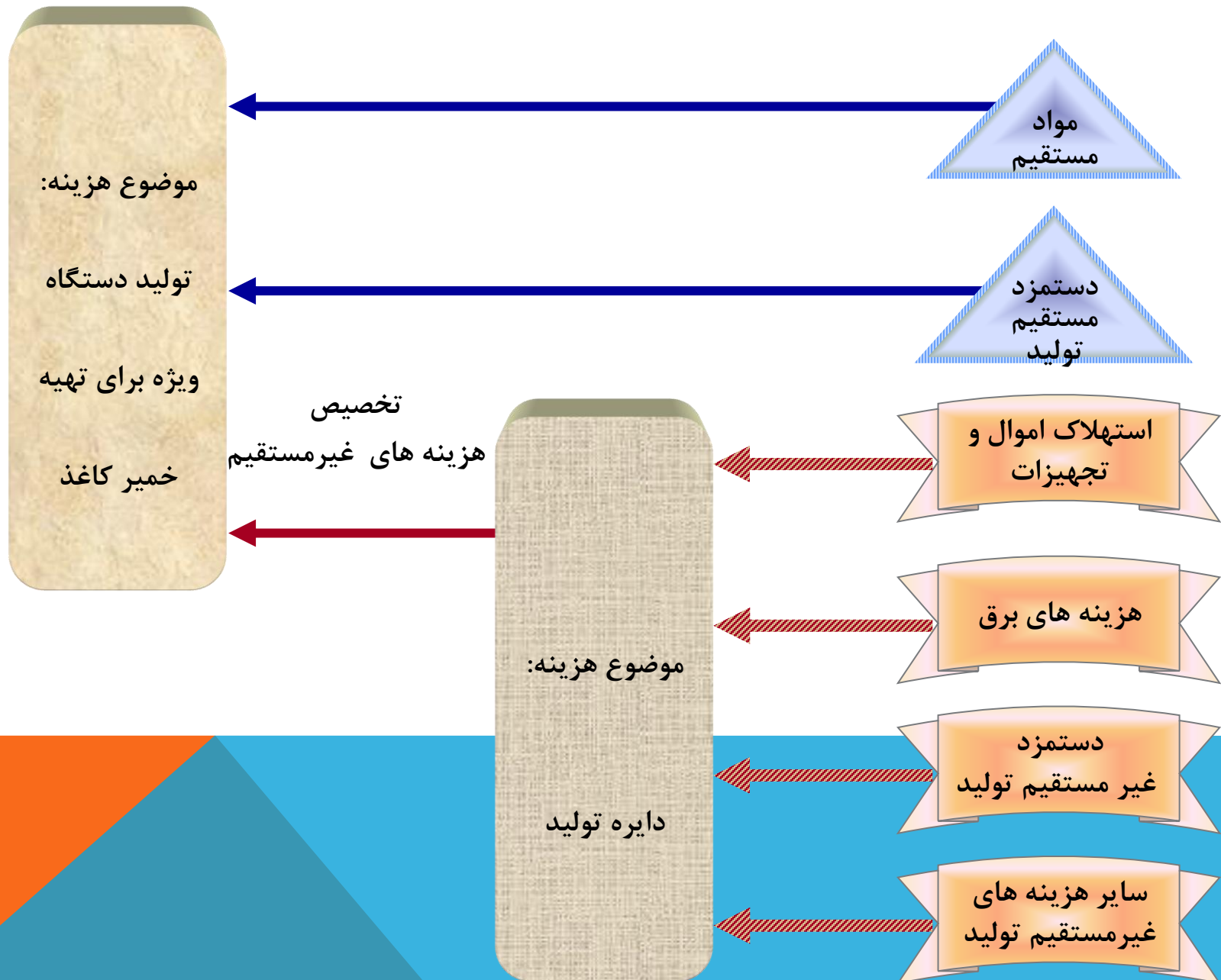
قسمت الف: گزارش سودآوری ماهانه برای دی ماه ۱۳۷۱ (ارقام به میلیون ریال)

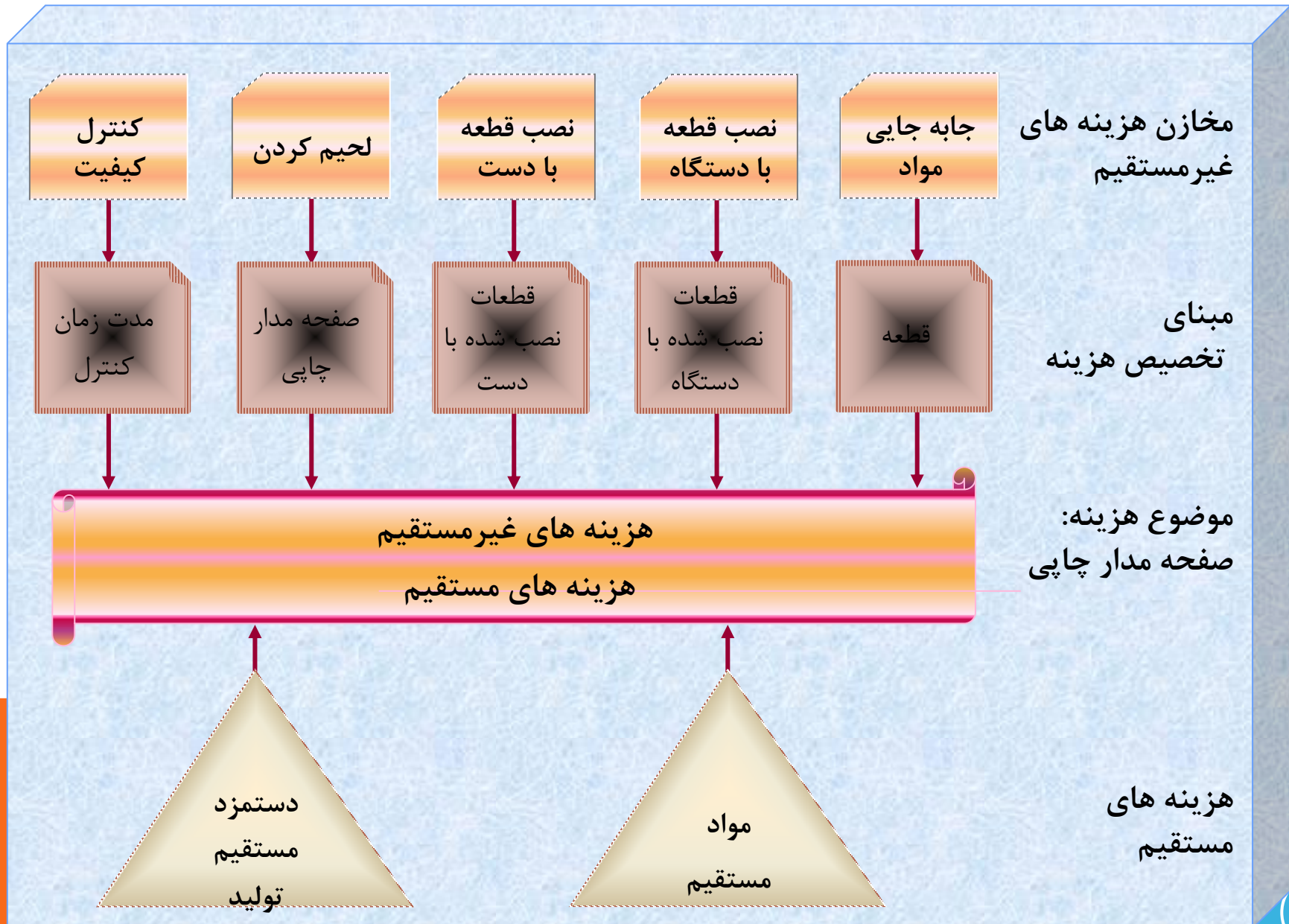
نوشابه های غیر الکلی	محصولات تازه	غذاهای بسته بندی شده	جمع
فروش	۲۶،۴۵۰	۴۰،۳۳۰	۱۳۶،۸۰۰
بهای تمام شده فروش	۲۰،۰۰۰	۳۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
برگشت بطری	۴۰۰	۰	۴۰۰
سفارش	۱،۲۰۰	۱،۲۰۰	۵،۲۰۰
تحويل	۸۰۰	۱،۷۶۰	۸،۴۰۰
چیدن در قفس	۳۶۰	۱،۸۰۰	۵،۷۶۰
کارکنان	۸۴۰	۲،۰۴۰	۱۰،۲۴۰
جمع هزینه	۲۳،۶۰۰	۳۶،۸۰۰	۱۳۰،۰۰۰
سود عملیاتی	۲،۸۵۰	۳،۵۳۰	۶،۸۰۰
نسبت سود عملیاتی به فروش	۱۰ / ۷۷ %	۸ / ۷۵ %	۴ / ۹۷ %

قسمت ب: تصویر کلی هزینه یابی سفارش کار



هزینه یابی دایره و سفارش در شرکت ره آورد





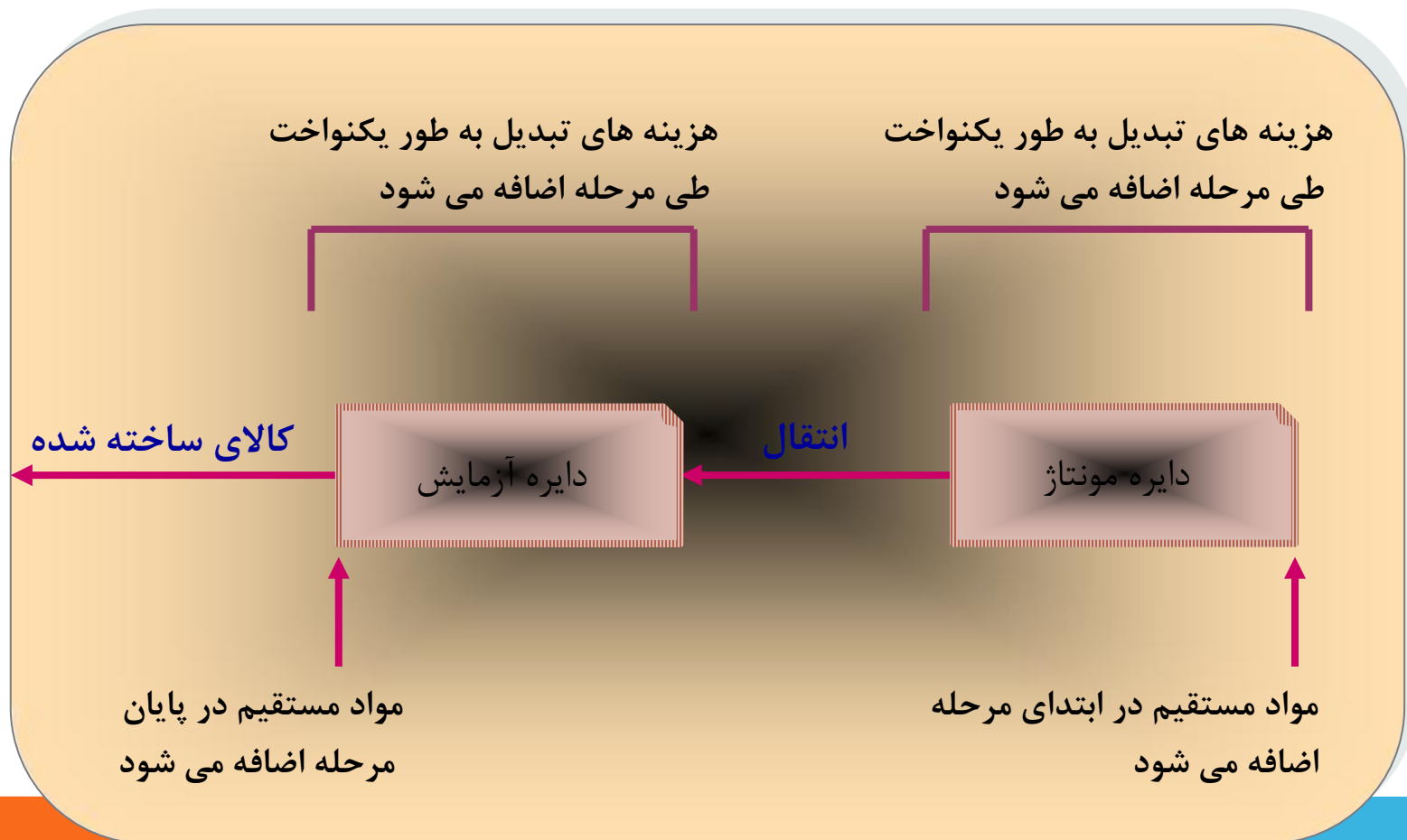
توصیف هزینه یابی مرحله ای

ساده ترین راه برای یادگیری هزینه یابی مرحله ای ارائه مثال است. به مثال زیر توجه فرمایید.

مثال:

شرکت تولید شهاب، هزاران قطعه برای تجهیزان نظامی و موشک تولید می کند. در این جا یکی از قطعات تولیدی این شرکت به نام قطعه (الف) در نظر گرفته می شود. برای این قطعه از سیستم هزینه یابی مرحله ای استفاده می شود که دارای یک گروه هزینه مستقیم (مواد مستقیم) و یک گروه هزینه غیر مستقیم (هزینه های تبدیل) است. هر واحد از قطعه (الف) از دو دایره می گذرد: دایره مونتاژ و دایره آزمایش

تمام سعی و تلاش این است که تمام واحدها یکسان باشد و طبق مجموعه ای از خصوصیات مبتنی بر تقاضاهای بازار تولید شود. مواد مستقیم در ابتدای فرآیند مونتاژ اضافه می شوند. مواد مستقیم اضافی در پایان دایره آزمایش وقتی که آخرین کار تولید قطعه انجام می شود، به محصول افزوده می شود. هزینه های تبدیل به طور یکنواخت طی هر دو مرحله تولید واقع می شود.



نتیجه یک تحقیق درباره هزینه یابی مرحله ای در صنایع مختلف:

نتایج یک تحقیق در استرالیا نشان می دهد که شرکت های تولیدی در صنایع مختلف به طور گسترده از هزینه یابی مرحله ای استفاده می کنند. درصدهای گزارش شده از صد بیشتر است؛ زیرا برخی شرکت ها بیش از یک سیستم هزینه یابی دارند.

شرح	غذایی	منسوجات	فلزات اصلی	شیمیایی	پالایش
هزینه یابی مرحله ای	۹۶٪	۹۱٪	۹۲٪	۷۵٪	۱۰۰٪
هزینه یابی سفارش کار	۴	۱۸	۲۵	۲۵	۲۵
سایر	–	–	۸	۱۲	–

شرح	چاپ و انتشار	اثاثه و منصوبات	ماشین های اداری و کامپیوتر	الکترونیک
هزینه یابی مرحله ای	۲۰٪	۳۸٪	۴۳٪	۵۵٪
هزینه یابی سفارش کار	۷۳	۶۳	۶۵	۵۸
سایر	۱۳	–	۹	۱۰

نتیاج تحقیق نشان می دهد استفاده از هزینه یابی مرحله ای در صنایع گوناگون متفاوت است.

هزینه یابی مرحله ای در صنایعی که کالاهای متجانس و در حجم انبوه تولید می کنند، به طور گسترده استفاده می شود: نظیر صنایع

غذایی، منسوجات، فلزات اصلی، شیمیایی و پالایش.

اما در صنایعی که محصولات مجزا و متفاوت (غیر مشابه) تولید می کنند، کاربرد هزینه یابی سفارش کار از هزینه یابی مرحله ای بیشتر

است: نظیر صنایع چاپ و انتشار، اثاث و منصوبات، ماشین های اداری و کامپیوتر و الکترونیک.

۱- مرکز هزینه (بها)

مرکز هزینه بخشی از هر شرکت است که مدیر آن مسئولیت پاسخگویی در مقابل هزینه های انجام شده آن بخش را به عهده دارد.

برای مثال بخش پشتیبانی رستوران در یک شرکت تولیدی، یک مرکز هزینه است که مدیر آن، مسئولیت حسابداری هزینه های رستوران

را به عهده دارد.

۲- مرکز درآمد

مرکز درآمد، بخشی از هر شرکت است که مدیر آن مسئولیت حسابداری در مورد درآمدهایی را به عهده دارد که به آن مرکز نسبت

داده می شود.

مثلاً در شرکتی که به ساخت درهای ضد سرقت اشتغال دارد، واحد نصب به عنوان یک مرکز درآمد مطرح است و مسئولیت درآمدهای

واحد نصب را به عهده دارد.

۳- مرکز سود (درآمد و هزینه)

مرکز سود نیز بخشی از یک شرکت است که مدیر آن مسئولیت حسابدگی در مقابل درآمدها و هزینه های تحقق یافته آن مرکز را به عهده دارد. یعنی مدیران مراکز سود در حقیقت مسئولیت یک مرکز بها (هزینه) و یک مرکز درآمد را به طور توأم و همزمان به عهده دارند.

مرکز سرمایه گذاری:

مرکز سرمایه گذاری، بخشی از یک شرکت است که به طور هم زمان مسئولیت حسابدگی سودهای تحقق یافته و سرمایه گذاری انجام شده در آن بخش را به عهده دارد. مراکز سرمای گذاری نوع کامل تر مراکز سود هستند.

اصولاً در ادبیات حسابداری صنعتی دو نوع سیستم بهایابی عنوان می شود؛ یکی سیستم بهایابی متفاوت (سفارش کار) و دیگری سیستم بهایابی یکسان (مرحله ای).

نوع فعالیت و نیز فرایند بازاریابی و فروش محصول یا ارائه خدمات شرکت، می تواند در انتخاب سیستم بهایابی نقش کلیدی ایفا کند.

کارت سفارش

جزئیات مربوط به هر سفارش در کارتی درج می شود که آن را «کارت سفارش» می نامند . معمولاً کارت سفارش دارای دو قسمت مجزا است . در یک قسمت اطلاعات کلی سفارش در آن توصیف می شود و در قسمت دیگر اجزای بهای محصول (شامل مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار جذب شده) درج می گردد . اطلاعات توصیفی هر سفارش معمولاً شامل مواردی به شرح زیر است :

✓ اندازه

✓ رنگ

✓ مدل

✓ مقدار

✓ زمان سفارش

✓ زمان تحویل

✓ مشخصات سفارش دهنده

✓ شماره ی سفارش

✓ و سایر اطلاعات لازم

شماره ی سفارش دارای اهمیت ویژه ای است چون سفارش را با شماره یا کد آن می شناسند .

یک سؤال که ممکن است طرح شود این است که چرا از کارت استفاده می شود نه از دفتر ؟ دلیل آن این است که سفارش از یک مرحله

به مرحله بعد و یا از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل می شود و باید کارت همراه سفارش جابجا شود اگر دفتر مورد استفاده قرار بگیرد باید

همراه کدام سفارش باشد ؟

شکل کارت سفارش از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است ولی یک نمونه معمولی و کلی آن در زیر نشان داده شده است. کارت سفارش

تا زمانی که تکمیل نشده است، حکم معین حساب کالای در جریان ساخت را دارد و بعد از این که سافرش تکمیل شد، این کارت حکم

معین حساب کالای تکمیل شده را پیدا خواهد کرد و در صورت فروش سفارش و تحویل آن به مشتری، نقش معین بهای ساخت کالای

فروش رفته را خواهد داشت.

شرکت آلفا

کارت سفارش

اطلاعات مربوط به سفارش :

سفارش دهنده :	رنگ :	شماره سفارش :
تاریخ سفارش :	اندازه :	تاریخ تحویل :
مدل :	تعداد :	تاریخ تکمیل :

اطلاعات بهای سفارش :

تاریخ	مواد مستقیم مصرف شده	دستمزد مستقیم	سربار جذب شده	جمع

۱- افت

عبارت است از کاهش حجم و یا وزن مواد به کار رفته در اثر فرایند ساخت و فرآوری محصول. برای مثال یک شرکت تولید و پخش فرآورده های لبنی، وقتی برای تولید ماست، شیر را می جوشانند، مقداری از آن تبخیر می شود. فرضاً یک کیلو شیر خام به ۹۵۰ گرم شیر جوشیده تبدیل می شود یعنی ۵۰ گرم (۵٪) افت مواد وجود دارد. بهای موادی که در اثر فرآیند ناپدید و از بین می رود، در محاسبات حسابداری مورد توجه قرار نمی گیرد و بهای آن به طور خودکار روی مواد باقیمانده (در این مثال ۹۵٪ مواد) سرشکن می شود.

۲- زائدات

زائدات نیز همانند افت، از نوع محصول نیست بلکه از مواد مصرف شده حاصل می شود. زائدات آن بخش از مواد اولیه است که در فرآیند تولید، به محصول تبدیل نمی شود؛ بلکه به عنوان مواد باقیمانده یا پس مانده های تولید، از فرآیند بر جای می مانند و ممکن است دارای ارزش فروش ناچیزی (نزدیک به صفر) و یا حتی ممکن است ارزش منفی داشته و برای دور ریختن آن ها نیاز به پرداخت هزینه های بارگیری و حمل نیز باشد. خاک اره در یک شرکت سازنده صندلی های چوبی.

در جدول زیر، نحوه برخورد با زائدات در حالت کاهنده بهای ساخت، خلاصه شده است:

رویداد	روش "شناسایی در زمان فروش"	روش "شناسایی در زمان ایجاد"
ایجاد زائدات خاص	ثبت ندارد	موجودی زائدات *** کالای در جریان ساخت - سفارش خاص ***
ایجاد زائدات مشترک	ثبت ندارد	موجودی زائدات *** کنترل سربار ***
فروش زائدات خاص به صورت نقد	بانک *** کالای در جریان ساخت ***	بانک *** موجودی زائدات *** در صورت مابه التفاوت، کالای در جریان یا سود و زیان، بدهکار یا بستانکار می شود.
فروش زائدات مشترک به صورت نقد	بانک *** کنترل سربار ***	بانک *** موجودی زائدات *** در صورت مابه التفاوت، کنترل سربار یا سود و زیان، بدهکار یا بستانکار می شود.

در صورتی که زائدات به عنوان درآمد (عملیاتی یا غیرعملیاتی) مورد توجه قرار گیرد، ثبت آن در حالات مختلف، به شرح جدول زیر است:

رویداد	روش "شناسایی در زمان فروش"	روش "شناسایی در زمان ایجاد"
ایجاد زائدات	ثبت ندارد	موجودی زائدات * * * درآمد حاصل از شناسایی زائدات * * *
فروش زائدات خاص یا مشترک به صورت نقد	بانک * * * درآمد حاصل از فروش زائدات * * *	بانک * * * موجودی زائدات * * * در صورت مابه التفاوت در صورت وجود، به سود و زیان، منظور می شود.

۳- کالای معیوب

محصولاتی هستند که ویژگی محصولات سالم را به طور کامل ندارند. بر حسب امکان برطرف شدن عیب و نقص کالا یا عدم امکان آن،

این محصولات به دو نوع تقسیم می شوند: یکی محصولات ضایع شده (ضایعات) و دیگری محصولات قابل دوباره کاری.

ضایعات

ضایعات بر خلاف زائدات، از نوع مواد نیست؛ بلکه از نوع محصول است.

ضایعات محصولاتی هستند که ویژگی محصولات سالم را ندارند و با انجام کار مجدد روی آن ها، به محصول سالم تبدیل نمی شوند،

یعنی غیر قابل برگشت به فرایند تولید هستند.

ضایعات بر حسب دلیل بروز آن به دو نوع تقسیم می شوند؛ یکی ضایعات عادی و دیگری ضایعات غیر عادی.

الف) ضایعات عادی

ضایعات عادی محصولاتی هستند که ویژگی سالم را ندارند و دلیل این ناسالمی عواملی است که غیر قابل کنترل هستند و در شرایط کارای عملیاتی نیز ایجاد می شوند. این نوع ضایعات قابل پیش بینی و برآورد هستند و به طور معمول دارای ارزش فروش هستند. این گونه ضایعات یا عمومی و مشترک هستند و یا این که به سفارش یا محصول خاصی مربوط می شوند.

الف-۱) ضایعات عادی خاص یک سفارش:

در صورتی که ضایعات عادی به دلیل ویژگی های خاص یک سفارش ایجاد شود، بهای ساخت به کار رفته برای تولید ضایعات، پس از کسر حاصل فروش آن، به حساب سفارش مذکور منظور می شود.

الف-۲) ضایعات عادی مشترک بین تولیدات:

در صورتی که ضایعات عادی ناشی از ساخت یم سفارش خاص نباشد و در اثر فرایند عادی تولید - بدون توجه به نوع سفارش- ایجاد شود، همزمانی بروز آن با ساخت سفارش دلیل بر اختصاصی بدون ضایعات نیست و بهای ساخت ضایعات پس از کسر ارزش فروش آنها، به حساب کنترل سربار منظور می شود.

ب) ضایعات غیر عادی

ضایعات غیر عادی، محصولاتی هستند که ویژگی های محصول سالم را ندارند و با انجام دوبار کاری به محصول سالم تبدیل نمی شوند

دلیل این ناسالمی عواملی است که قابل کنترل می باشد و شرایط کارای عملیات رخ نمی دهند. این نوع ضایعات قابل پیشگیری است؛ ولی قابل پیش بینی و برآورد نیست. ضایعات غیر عادی نیز معمولاً دارای ارزش فروش هستند.

آحاد قابل دوباره کاری

محصولاتی هستند که همانند ضایعات، معیوب و ناسالم هستند ولی با برگشت به خط تولید و انجام دوباره کاری و یا مصرف مجدد مواد ،

به محصول سالم تبدیل می شوند. آحاد قابل دوباره کاری نیز همانند آحاد ضایع شده، ممکن است عادی یا غیر عادی باشند.

الف) آحاد قابل دوباره کاری عادی

واحدهایی که به دلیل ماهیت تولید و نه عوامل کنترل، مشمول دوباره کاری می شوند به عنوان آحاد دوباره کاری عادی طبقه بندی می شوند. این واحدها ممکن است مربوط به یک سفارش خاص و یا مربوط به کلیه تولیدات و سفارشات باشد که نحوه عمل در این دو حالت متفاوت خواهد بود.

۱-الف) دوباره کاری عادی سفارش خاص

در این حالت بهای عوامل به کار رفته جهت اصلاح و رفع عیب به حساب همان سفارش منظور می شود و در واقع همانند سفارش تکمیل نشده با آن برخورد می شود.

۲-الف) دوباره کاری عادی مشترک

در این حالت که دوباره کاری عادی و غیر قابل رهگیری با سفارش خاصی است بهای عوامل به کار رفته جهت دوباره کاری به حساب کنترل سربار سوخت منظور می شود .

ب) آحاد قابل دوباره کاری غیر عادی

دوباره کاری غیر عادی به جای منظور شدن به حساب یک سفارش خاص و یا کنترل سربار، در یک حساب تحت عنوان

"زیان ناشی از دوباره کاری" انباشت می شوند و به سود و زیان بسته می شود .

مقایسه روش هزینه یابی سنتی با سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت برای طراحی یک سیستم هزینه یابی:

در شرکت ابزار ساز، در شکل ۴-۴ و فروشگاه بزرگ خانوادگی قسمت ب از شکل ۸-۴ شیوه کاربرد سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت

جهت تجدیدنظر یا پالایش یک سیستم هزینه یابی ارائه شده است. تفاوت بین روش به اصطلاح "سنتی" و سیستم هزینه یابی بر مبنای

فعالیت به شرح زیر است:

✓ برای هر دایره یا کل کارخانه یک تعداد معدودی مخزن هزینه غیر مستقیم وجود دارد و معمولاً این مخازن هزینه همگن و متجانس نیستند.

✓ مبنای تخصیص هزینه های غیر مستقیم می تواند عامل هزینه باشد (و امکان دارد که عامل هزینه نباشد).

✓ اغلب مبنای تخصیص هزینه های غیر مستقیم جنبه مالی دارد، مانند هزینه دستمزد مستقیم یا هزینه مواد مستقیم.

➤ تعداد زیادی مخزن هزینه غیر مستقیم که همگن و متجانس هستند، برای فعالیت های مختلف وجود دارد. برای طراحی هر یک از حوزه های فعالیت، کارکنان عملیاتی نقش اصلی ایفا می کنند.

➤ با احتمال بسیار زیادی مبنای تخصیص هزینه های غیر مستقیم، همان عامل هزینه است.

➤ اغلب، مبنای تخصیص هزینه های غیر مستقیم متغیرهای مالی است، مانند تعداد قطعه هایی که تولید می شود یا مدت زمانی که صرف کنترل محصولات تولید شده می گردد.